

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی

سال سوم دورهٔ راهنمایی تحصیلی

مرحلهٔ دوم تعلیمات عمومی



اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را،
همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند.
اگر مسلمین با هم متحد بشوند، هیچ دولتی نمی تواند به آن ها غلبه کند.
امام خمینی (ره)

دُروسٌ في تَعَلُّمِ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ (٣)

الفهرس

الدرس	الموضوع	الصفحة
الدُّرسُ الأوَّلُ	أَلْقَضُ الرُّجُوعِ (ياد آوري)	٤
الدُّرسُ الثَّانِي	إِسْتِرَاقُ السَّمْعِ! (وزن كلمات)	١٩
الدُّرسُ الثَّالِثُ	الرَّاعِيَةُ الصَّغِيرَةُ (سؤالى — منفى)	٣٤
الدُّرسُ الرَّابِعُ	أَصْحَابُ الكَهْفِ (أمر ١)	٥١
الدُّرسُ الخَامِسُ	أَلْبُسْتَانُ المَحْرُوقِ (أمر ٢)	٦٦
الدُّرسُ السَّادِسُ	لَا تَيَّأَسْ! (نهى)	٨١
الدُّرسُ السَّابِعُ	أه ... بِنَيْتِي! (جملهى اسميّه)	٩٨
الدُّرسُ الثَّامِنُ	الرَّخَاءُ وَالشَّدَّةُ (جملهى فعليّه)	١١١
الدُّرسُ التَّاسِعُ	مَلَابِسُ العِيدِ (مفعول — جار ومجرور)	١٢٦
الدُّرسُ العَاشِرُ	تَمَارِينُ عَامَّةٌ	١٤٤
	أَلْمُعْجَمُ	١٤٩

مقدمه

خدای بزرگ را سپاس‌گزاریم که توفیق عنایت فرمود تا کتابی دیگر از سلسله کتاب‌های عربی دوره‌ی راهنمایی را، به منظور آشنا کردن دانش‌آموزان عزیز با زبان قرآن کریم و ایجاد زمینه برای فهم و درک مطالب آن، تألیف و تقدیم کنیم. کتاب حاضر آخرین جلد از «مرحله‌ی مقدماتی» آموزش زبان عربی است و با همان هدف‌ها و روش‌های دو کتاب قبل تدوین شده است. این سلسله کتاب‌ها از نظر محتوا، تمرین‌ها و شیوه‌های آموزشی دارای نوآوری‌هایی است که آن‌ها را از سایر کتاب‌های مشابه متمایز می‌سازد. لذا برای بهره‌گیری بهتر از این کتاب و توفیق بیش‌تر در تدریس آن، علاوه بر آن چه در دو کتاب گذشته بیان شد، نظر همکاران ارجمند را به نکات زیر جلب می‌کنیم.

۱- مطالب این کتاب نیز- مانند دو کتاب اول و دوم- با استفاده از پراستعمال‌ترین واژگان قرآنی- روایی و هم‌خانواده‌های آن‌ها فراهم آمده است و ساختار عبارات و جملات آن نیز هم‌سو با ساختار عبارات و جملات متون دینی است؛ در نتیجه، انتظار می‌رود دانش‌آموزان به طور مستقیم و غیرمستقیم با بخش قابل توجهی از متون قرآنی و دینی آشنا شوند.

۲- مضمون دروس، براساس موضوعات اعتقادی و اخلاقی است و متن‌ها با در نظر گرفتن شرایط خاص کتاب‌های درسی، با رعایت اختصار تدوین شده است. چون پاره‌ای از متون برگرفته از قصص قرآن کریم است، می‌توان تلخیصی از

آن قصص را پیش از شروع درس مطرح نمود تا دانش‌آموزان پس از خواندن متن ارتباط منطقی عبارات را بهتر درک کنند و از مطالعه‌ی درس بیش‌تر لذت ببرند و نیز پیام‌های اعتقادی و اخلاقی کتاب را بهتر دریافت کنند.

۲- قواعد کتاب، با استفاده از داستان‌ها و ماجراهایی مطرح شده‌اند تا یادگیری آن‌ها برای دانش‌آموزان ساده‌تر و جذاب‌تر شود. لذا همان قدر که آموزش آن قواعد مهم است، پرداختن به این داستان‌ها و ماجراها نیز از اهمیت برخوردار است.

۴- در بیان قواعد، فقط به نکاتی اکتفا شده است که طبق برنامه‌ریزی دقیق، برای این مرحله از آموزش مورد نیاز است؛ لذا از معلمان محترم تقاضا می‌شود که از مطرح ساختن نکات بیش‌تر، جداً خودداری کنند.

همچنین از دبیران محترم درخواست می‌شود که خود از ترجمه‌ی عبارت‌ها پرهیز کنند و تنها نقش مصحح و مُنقح را در زمینه‌ی ترجمه‌ی دانش‌آموزان ایفا کنند.

۵- تمرینات هر درس با روش‌های متنوع و جذاب طراحی شده است تا ضمن ترغیب دانش‌آموزان به بازخوانی متن درس و رجوع به «کلیدهای طلایی» قواعد، آنان را در فهم بهتر درس کمک کند. در عین حال، با ارائه‌ی آیاتی از قرآن کریم برای ترجمه، تلاش شده است گوشه‌ای از توانایی‌های به دست آمده را در زمینه‌ی درک متون دینی - که حاصل آموخته‌های قبلی آنان است - به ایشان بنمایاند.

۶- «الدراسات القرآنیة» با همان اهداف و شیوه‌های کتاب‌های اول و دوم تنظیم شده است. مؤکداً از دبیران محترم درخواست می‌شود فقط به آن چه در عنوان این بخش از تمرینات آمده است اکتفا کرده و از دادن تکالیف اضافه خودداری کنند. بدیهی است در این صورت، دانش‌آموزان شیرینی و حلاوت مطالب قرآن کریم را بهتر درک خواهند کرد. هم‌سویی و هماهنگی دانش‌آموزان با درس قرآن نیز مورد تأکید و انتظار است.

۷- برنامه‌ریزی و تألیف این کتاب به گونه‌ای است که بهره‌گیری فعال از ابزارها و لوازم کمک آموزشی را میسر می‌سازد و استفاده از آن‌ها، فرآیند آموزش را تقویت می‌کند؛ بدین جهت، در این کتاب در سه درس یک بخش با عنوان «اصْنَعْ وَ اَعْمَلْ» وجود دارد که اجرای آن اجباری نیست ولی در صورتی که دانش‌آموزان علاقه‌مند و مستعد زیر نظر دبیران محترم آن‌ها را انجام دهند، آموزش عربی سهل‌تر و

گیرا تر می شود.

۸- شعرهایی که در این کتاب آمده است، می تواند دست مایه‌ی افزایش علاقه‌مندی به زبان قرآن و لذت‌بخش کردن آموزش آن قرار گیرد. تشویق دانش‌آموزان به حفظ کردن شعرها یا اجرای سرودهای دسته‌جمعی براساس آن‌ها، وقتی در کنار اجرای نمایش‌هایی به زبان عربی و بر پایه‌ی متن برخی دروس قرار گیرد، شوق و رغبت آنان را به فراگیری این درس افزایش می‌دهد.

۹- از ویژگی‌های این کتاب، ایجاد زمینه برای استفاده از «روش‌های فعال» در تدریس است و این امکان در اختیار دبیران محترم قرار می‌گیرد که زبان قرآن را با روش‌های نوین و جذاب تدریس کنند.

۱۰- کتاب «راهنمای معلم»، حاوی ضروری‌ترین و مهم‌ترین نکته‌هایی است که ضمن بیان مبانی نظری کتاب‌های درسی، مراحل و روش‌های تدریس را در اختیار دبیران ارجمند قرار می‌دهد. مطالعه‌ی این کتاب و توجه به مطالب آن را به شما دبیران گرامی توصیه می‌کنیم.

و من الله التوفيقُ

گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی



الْقَصْرُ الزُّجَاجِيُّ

الْدَّرْسُ الْأَوَّلُ



كَانَ لِسُلَيْمَانَ (ع) جَيْشٌ قَوِيٌّ مِنَ الْإِنْسَانِ وَالطَّيْرِ وَالْحَيَوَانِ.

خَرَجَ سُلَيْمَانٌ لِنَفَقْدِ جَيْشِهِ... فَنَظَرَ بِدِقَّةٍ وَسَأَلَ:

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

الطُّيُورَ: سَيِّدَنَا! ... الْآنَ ذَهَبَ لِعَمَلٍ.

أَيْنَ الْهَدَاهِدُ؟!



بَعْدَ سَاعَاتٍ رَجَعَ الْهَدَاهِدُ ...

— أَيْنَ ذَهَبَتْ يَا هَدَاهِدُ؟!

— يَا سَيِّدِي! لَقَدْ كَشَفْتُ شَيْئًا عَجِيبًا ...!

— مَاذَا كَشَفْتَ؟!

غَضِبَ سُلَيْمَانُ (ع)

لِغِيَابِ الْهَدَاهِدِ!



– وَجَدْتُ امْرَأَةً تَحْكُمُ فِي مَمْلَكَةٍ «سَبَأًا» وَلَهَا جَيْشٌ قَوِيٌّ وَ عَظِيمٌ
و... وَ النَّاسُ فِيهَا يَعْبُدُونَ الشَّمْسَ وَ يَسْجُدُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ...!!!



– عَجِيبٌ ... هَلْ تَصَدِّقُ؟!

– نَعَمْ!... نَعَمْ!
سَيِّدِي ...

فَكَتَبَ سَلِيمَانَ (ع)
كِتَابًا لِمَلِكَةِ «سَبَأَ»

فِي قَصْرِ الْمَلِكَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَأَيُّهَا مِنْ سَلِيمَانَ

الوزراء: نَحْنُ أَقْوِيَاءُ
وَ لَا خَوْفَ عَلَيْنَا!...

الملكة: هَذَا كِتَابٌ يَطْلُبُ تَرْكَ دِينِنَا!

الملكة: لَا ... لَا ... أَنَا أَذْهَبُ إِلَيْهِ.

﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا...﴾

في قصر سليمان

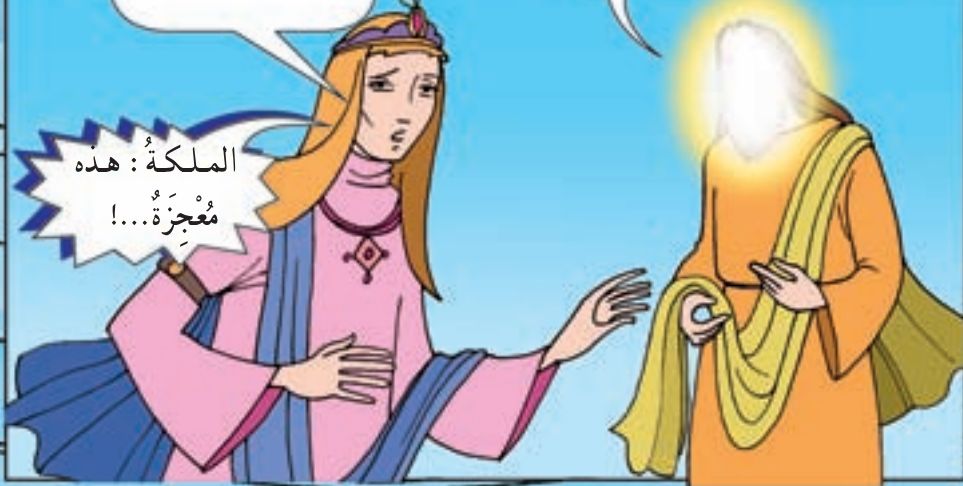
سليمانُ: يا أيُّها المَلَأُ! أَطَلُّبُ مِنْكُمْ
عَرْشَ مَلِكَةٍ سَبَّأً قَبْلَ وُصُولِهَا!
ثمَّ أَمَرَ سُلَيْمَانُ (ع) بِنِيبَاءِ قَصْرِ
رُجَاجِيٍّ فَوْقَ مِيَاهِ الْبَحْرِ.

الملكة في القصر الرجاجي

- يا عَجَبًا ... هذا عَرْشِي ...!
هذا ماءٌ ... هذا بحرٌ ...!
أنا أَعْرَقُ الآنَ ...!!

سليمانُ: لا ... لا ... هذا رُجَاجٌ، لا ماءً ...!!

الملكة: هذه
مُعْجَزَةٌ ...!





فَنظَرْتُ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَتْ :

رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ
أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ



ماجرای کاردستی‌ها

وقتی سال تحصیلی تمام شد، معلم درس عربی از دانش‌آموزان خواست در اوقات فراغت تابستانی خود کاردستی‌هایی بسازند که بتوانند به وسیله‌ی آن‌ها آموخته‌های خود را نشان دهند. آن سال موضوع درس بچه‌ها، فعل‌های ماضی و مضارع بود.

تعدادی از دانش‌آموزان خوش‌ذوق و مبتکر، در تابستان کاردستی‌هایی ساختند که هر یک از آن‌ها علائم و ویژگی‌های فعل‌های ماضی و مضارع را نشان می‌داد.

علائم فعل‌های ماضی و مضارع کدام است؟

در اولین جلسه‌ی کلاس عربی در سال جدید، همه‌ی کسانی که دست به چنین ابتکاری زده بودند، کاردستی‌های خود را همراه داشتند. قرار بود مدیر مدرسه به سازنده‌ی بهترین کاردستی جایزه بدهد.

یکی از دانش‌آموزان جعبه‌ای به شکل تلویزیون ساخته بود که روی صفحه‌ی آن کلمه‌ی «نَصَرَ» (ریشه‌ی فعل) دیده می‌شد و روی صفحه‌ی نواری مقوایی به چشم می‌خورد که به طرف پایین و بالا حرکت می‌کرد. او در توضیح کار خود گفت: این کاردستی را من برای ساختن صیغه‌های ماضی ساخته‌ام. می‌دانیم که:

■ بیش‌تر صیغه‌های فعل ماضی از یک ریشه‌ی سه حرفی ساخته می‌شوند.

■ با اضافه کردن علامت‌های گوناگون (ضمایر) به آخر این ریشه، صیغه‌های مختلف ساخته می‌شود.

■ برای بیش‌تر این صیغه‌ها علامت‌ها یا ضمیرهای متصل وجود دارد.

همه چیز زیر سر یک ریشه‌ی سه حرفی است!

ضمیر ریشه علامت

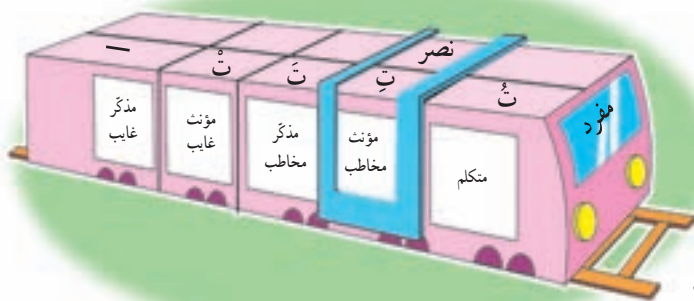
هم کتب وا



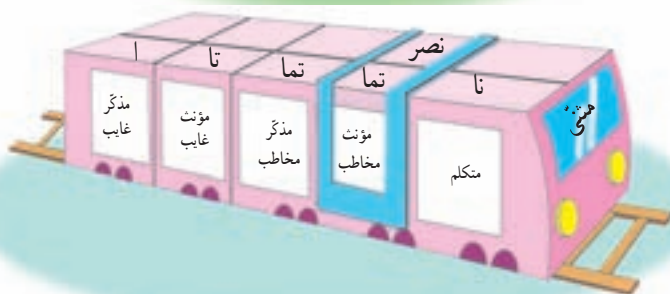
دانش آموز بعدی دست به ابتکار دیگری زده بود. او ریشه‌ی سه حرفی را به شکل یک پل ساخته بود که سه قطار از زیر آن عبور می‌کردند.

- روی قطار اول، علامت‌های مفرد نوشته شده بود.
- روی قطار دوم، علامت‌های مثنی نوشته شده بود.
- روی قطار سوم، علامت‌های جمع نوشته شده بود.

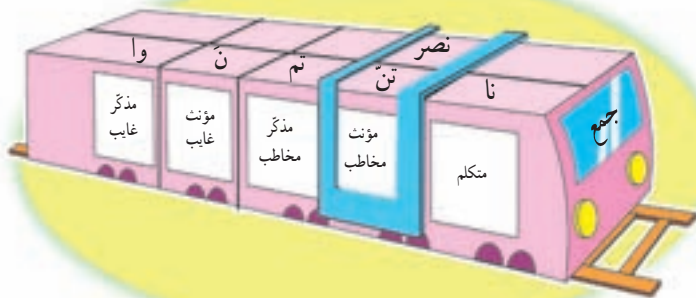
درست در انتهای ریشه‌ای که روی پل بود، روزنه‌ای قرار داشت که وقتی قطار از زیر آن عبور می‌کرد، علامت‌ها در کنار کلمه‌ی روی پل قرار می‌گرفتند.



قطار اول



قطار دوم



قطار سوم

دانش آموز سوم، یک چرخ و فلک ساخته بود و اسمش را «چرخ و فلک مضارع» گذاشته بود. این چرخ و

فلک طوری طراحی شده بود که روی صندلی‌های آن حروف مضارع (ب- ت- ا- ن) قرار داشت و روی صفحه‌ی چرخ و فلک علامت‌های صیغه‌های فعل مضارع (ضمایر) نوشته شده بود و بین حروف مضارعه و ضمائر، جایی به اندازه‌ی یک ریشه‌ی سه حرفی در نظر گرفته شده بود. وقتی چرخ و فلک به حرکت درمی‌آمد، از ترکیب سه جزء، یعنی:

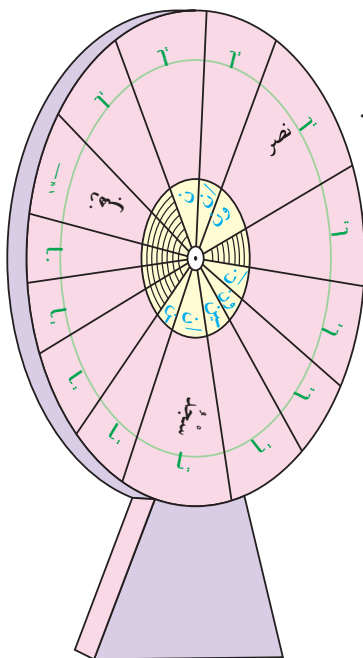
● حروف مضارعه

● ریشه‌ی فعل

● علامت صیغه‌ها

صیغه‌های مختلف مضارع ساخته می‌شد.

هر صیغه‌ی فعل
مضارع از چند جزء
تشکیل می‌شود؟



چرخ و فلک فعل مضارع

کاردستی بعدی، یک کشتی بود که روی سه دکل آن، بادبان‌هایی قرار داشت. سازنده‌ی این کشتی گفت: «کار من نشان می‌دهد که فراگرفتن فعل مضارع بسیار آسان است؛ زیرا:

● تعدادی از فعل‌های مضارع با (ب) شروع می‌شوند.

● تعدادی از فعل‌های مضارع با (ت) شروع می‌شوند.

کافی است به آخر هر یک از این فعل‌ها یکی از چهار علامت (ان، ون، ین، ن) اضافه شود تا صیغه‌های مختلفی به دست آید.

● دو صیغه از صیغه‌های فعل مضارع با (ا) و (ن) شروع می‌شوند و

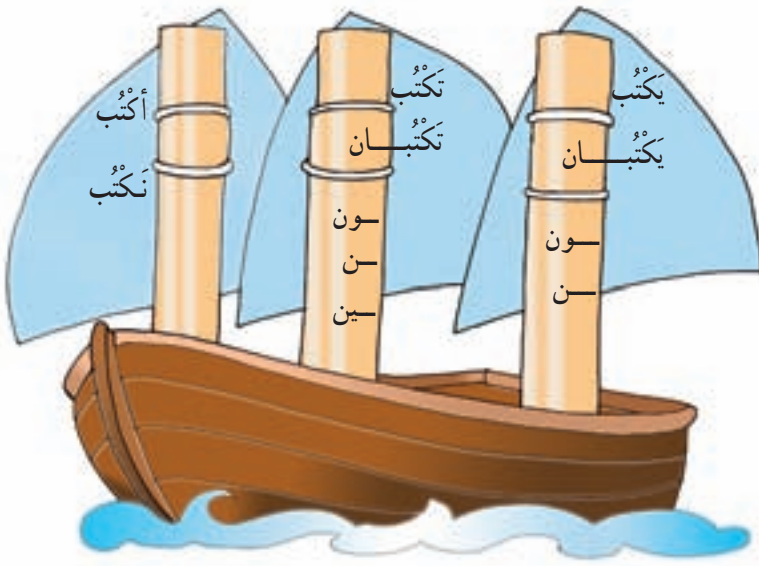
نیازی به آوردن ضمیر در آخر آن‌ها نیست.»

او سپس هر یک از بادبان‌ها را به طرف بالا و پایین به حرکت درآورد و هر بار، صیغه‌ی ساخته شده را

قرائت کرد: یَکْتُبُ، یَکْتُبانَ، یَکْتُبونَ، ...

تَکْتُبُ، تَکْتُبانَ، ...

صیغه‌های فعل
مضارع با چه
علامت‌هایی شناخته
می‌شوند؟



کاردستی‌های دانش‌آموزان، یکی جالب‌تر از دیگری بود. تعداد دیگری از بچه‌ها نیز کاردستی‌های خود را نشان دادند و درباره‌ی آن‌ها توضیح دادند. وقتی نوبت به انتخاب بهترین کاردستی رسید، دانش‌آموزان به اتفاق آرا نظر دادند که همه‌ی آن‌ها جالب توجه و مبتکرانه است.

معلم نیز همین نظر را داشت؛ از این رو، از مدیر مدرسه درخواست کرد همان‌طور که قبلاً وعده داده بود، به همه‌ی دانش‌آموزانی که در این زمینه کار کرده‌اند جایزه‌ای بدهد، مشروط به این که دانش‌آموزان تا جلسه‌ی آینده به این سؤالات نیز پاسخ دهند:

سؤالات مهم

- در فعل ماضی یک صیغه هست که هم برای مذکر و هم برای مؤنث به کار می‌رود. آن صیغه کدام است؟
- کدام صیغه‌ی فعل ماضی به عنوان ریشه شناخته می‌شود و هیچ علامتی در آخر آن وجود ندارد؟
- در فعل مضارع دو صیغه هست که به یک شکل به کار می‌روند و سه صیغه‌ی دیگر نیز وجود دارد که آن‌ها نیز به یک شکل به کار می‌روند، آن‌ها کدام‌اند؟

● دانستیم که

- «أ» و «ن» علامت مضارع برای متکلم وحده و متکلم مع‌الغیر هستند.
- همه‌ی صیغه‌های مخاطب با حرف «ت» شروع می‌شوند.

* حالا بگویید

- صیغه‌های مذکر غایب با چه حرفی شروع می‌شوند؟
- صیغه‌های مفرد و مثنای مؤنث غایب با چه حرفی شروع می‌شوند؟
- صیغه‌ی جمع مؤنث غایب با چه حرفی شروع می‌شود؟
- پنج صیغه‌ی مضارعی که به آخر آن‌ها هیچ علامتی اضافه نمی‌شود، کدام‌اند؟

	وا	ا	ـ	
	نَ	ا	تَ	
⇐ فعل ماضی	تُم	تا	تَ	ریشه‌ی فعل + علامت صیغه‌ها
	تَن	تُما	تِ	
	نا	نا	تِ	
	جمع	مثنی	مفرد	

	ـ		یـ	
	ان	ریشه‌ی فعل + علامت صیغه‌ها	تـ	علامت مضارع
⇐ فعل مضارع	ون		أـ	
	ین		نـ	
	ن			

تَمَارِينُ



با توجه به متن درس، پاسخ صحیح را با علامت × مشخص کنید.

هَلْ

۱- هل فَهَمَ سَلِيمَانُ (ع) لُغَةَ الْهُدُودِ؟
○ نعم ○ لا

أَيْنَ

۲- إلى أين ذَهَبَ الْهُدُودُ؟
○ ذَهَبَ إِلَى مَمْلَكَةِ سَبَأً ○ ذَهَبَ إِلَى الْغَابَةِ ○

مَاذَا

۳- ماذا طَلَبَ سَلِيمَانُ (ع)؟
○ طَلَبَ الْهُدُودَ ○ طَلَبَ عَرْشَ مَلِكَةِ سَبَأً ○

كَيْفَ

۴- كَيْفَ كَانَتْ مَمْلَكَةُ سَبَأً؟
○ كَانَتْ قَوِيَّةً ○ كَانَتْ ضَعِيفَةً ○

الْتَمَرِينُ الثَّانِي



از میان حروف پراکنده، معادل عربی فعل‌های فارسی را بسازید. سپس به دور حروف هر فعل خط بکشید و آن را در داخل خانه‌ی مربوط به خود بنویسید.

ظ ن	ت و	نگاه کرد (مؤنث)
ر ت	د ج	یافتم
ا س ا	ا ک ت	پرسیدیم
ل ن ب	و ب	نوشتند (جمع مذکر)
ی د	ا ت	عبادت می‌کنند (مثنای مذکر)
ع ن	ر م	دستور می‌دهی (مذکر)
ا ب		خارج می‌شوید (جمع مؤنث)
		باز می‌گردید (مثنای مؤنث)



الْتَمْرِينُ الثَّلَاثُ



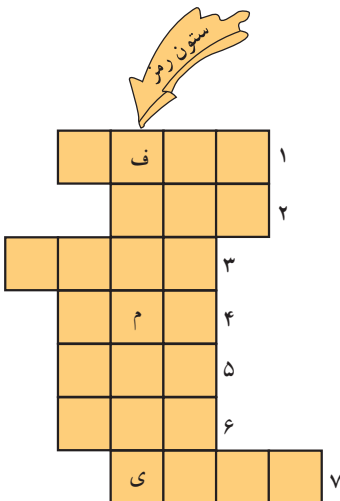
در این باغ، میوه‌های
تعدادی از شاخه‌ها به زمین
افتاده است. آیا می‌توانید به
کمک قرائن نشان دهید که هر
یک از این سیب‌ها از کدام
شاخه افتاده است؟



الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ



در جدول زیر، با استفاده از متن درس، معنای کلمات خواسته شده را
بنویسید. سپس با ترکیب حروف ستون مورد نظر، رمز جدول را پیدا کنید.



۱- کشف کردم

۲- بازگشت

۳- ستم کردم

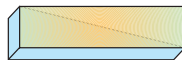
۴- دستور داد

۵- گفت

۶- خشمگین شد

۷- اِنِّي ظَلَمْتُ ... (به خودم)

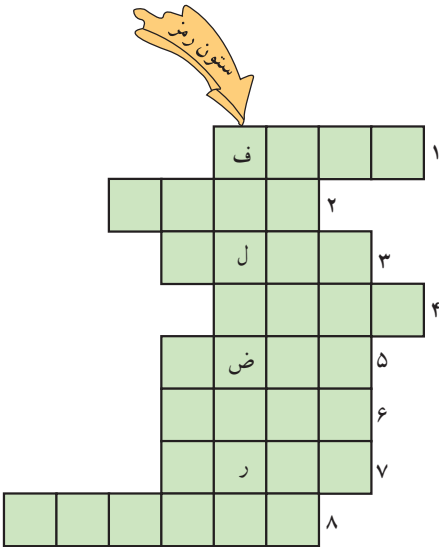
رمز را در این جا بنویسید :



الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ



با استفاده از متن درس، معنای کلمات خواسته شده را در خانه‌های جدول بنویسید. سپس با ترکیب حروف ستون مورد نظر، رمز جدول را پیدا کنید.



۱- کشف می‌کند، می‌یابد

۲- می‌پرستد

۳- درخواست می‌کنم، طلب می‌کنم

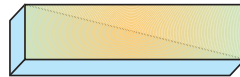
۴- حکومت می‌کند

۵- خشمگین می‌شود

۶- می‌ترسد

۷- غرق می‌شوم

۸- می‌پرستند (مذکر)



رمز را در این جا بنویسید :

الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ



کدام یک از ترجمه‌های زیر درست است؟

۱- يَعْْبُدُونَ الشَّمْسَ وَ يَسْجُدُونَ لِغَيْرِ اللّٰهِ.

○ خورشید را می‌پرستند و برای غیر خدا سجده می‌کنند.

○ خورشید را عبادت کردند و برای غیر خدا سجده کردند.

۲- اَنَا اَسْجُدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

○ ما خدای جهانیان را می‌پرستیم.

○ من برای خداوند، پروردگار جهانیان، سجده می‌کنم.

۳- ﴿فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ﴾

○ پس موسی (ع) به سوی مردم خود باز می‌گردد.

○ پس موسی (ع) به سوی قوم خود بازگشت.



با کلمات زیر در متن درس آشنا شده‌اید. هر یک از آن‌ها را با توجه به معنای آیات در جای خالی مناسب قرار دهید.

الطَّيْرُ - العرشِ - يَسْجُدُونَ

۱- ﴿ وَهُوَ رَبُّ ... الْعَظِيمِ ﴾ (توبه / ۱۲۹)

«او پروردگار عرش و تخت بزرگ است.»

۲- ﴿ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى ... فَوْقَهُمْ صَفَاتٍ ... ﴾ (ملک / ۱۹)

«آیا در بالای سرشان پرندگان را ندیده‌اند که بال می‌گسترند...؟»

۳- ﴿ وَجَدْتُهُمْ وَقَوْمَهَا ... لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ ﴾ (نمل / ۲۴)

«او و قومش را یافتند که به جای خداوند برای خورشید سجده می‌کنند.»

به کلمه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، نگاه کنید. با توجه به

متن درس، هم خانواده‌ی این کلمه‌ها را بیابید و داخل دایره بنویسید.

۱- ﴿ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴾ (نساء / ۸۷)

و راست‌گوتر از خدا در سخن کیست؟

﴿ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ ﴾ (اسراء / ۸۰)

پروردگارا، مرا به راستی و نیکویی داخل کن.

۲- ﴿ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴾ (بقره / ۲۲۰)

همانا خداوند توانا و حکیم است.



(حج/ ۶۹)

﴿اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...﴾

خدا در روز قیامت میان شما داوری می کند ...

(دخان/ ۱۲)

﴿۳- رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ﴾

پروردگارا این عذاب را از ما دفع کن.

(زمر/ ۳۸)

﴿هَلْ هُنَّ كَاثِفَاتٌ صُرَّتِه﴾

آیا آنان بر طرف کننده‌ی ضرر او هستند؟

با بهترین آثار «ترجمه‌ی تصویری» نمایشگاهی از جمله‌های عربی و تصاویر طنز، انتقادی و ... تشکیل دهید.

ترجمه‌ی تصویری

آیا می‌توانید با تلفیق یک عبارت و یک تصویر، مفاهیم طنزآمیز، انتقادی، اجتماعی، سیاسی و ... بسازید؟

برای هر یک از عبارتهای زیر که از متن درس برگزیده شده‌اند، یک تصویر مناسب پیدا کنید، آن را در یک صفحه‌ی دفتر «ترجمه‌ی تصویری» بچسبانید و جمله‌ی مربوط به آن را کنارش بنویسید:

- كَسَفَتْ شَيْئًا مُهِمًّا!
- هل أنتَ تصدقُ؟!
- نحنُ أقوياءُ... لاخوفَ علينا.
- أنا أغرقُ الآن!

مهم



إِسْتِرَاقُ السَّمْعِ!

الدَّرْسُ الثَّانِي



في حَيْمَةِ قِيَادَةِ الْعَدُوِّ

– أَيُّهَا الْأَمْرَاءُ! أَيُّهَا السَّادَةُ! مَعْنَوِيَّاتُ الْجُنُودِ ضَعِيفَةٌ...
نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى هَجُومٍ سَرِيعٍ عَلَى قُوَّاتِ الْعَدُوِّ!!

أَحَدًا الْأَمْرَاءُ: نَعَمْ، نَعَمْ... حَسَنٌ...

– أَحْسَنْتَ... هَذِهِ فِكْرَةٌ جَيِّدَةٌ...!

– وَلَكِنْ... سَيِّدِي...
نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى مَعْلُومَاتٍ
عَنْ مَوَاضِعِ الْعَدُوِّ!

– كَلَامُكَ صَحِيحٌ...!



فَذَهَبَ جُنْدِيُّ الْعَدُوِّ لَيْلًا لِلْحُصُولِ عَلَى الْمَعْلُومَاتِ.
وَبَعْدَ سَاعَةٍ وَصَلَ إِلَى مَوَاضِعِ قُوَّاتِنَا.

نحنُ في هذه المِنطقةِ مُدَّةً طويلاً و عَدَدُ المُقاتلين «قَليلٌ» الآنَ. و
أكثرُهم في الخَنادِقِ «مَجروحون» شديداً. أنا «مَسؤولٌ» ... **فعلينا**
«الرُّجوعُ» هذه اللَّيْلَةَ. و نحنُ «راجِعونٌ» عَن طريقِ البَحْرِ إن شاءَ اللهُ .

إيها الإخوة!

في خيمةِ قيادةِ
قواتنا



فَرِحَ جُنْدِيٌّ أَلْعَدُوَّ بِهذهِ المَعْلوماتِ
السَّرِيَّةِ ...

— مِن ذُبِّ الصَّحراءِ ...
إلى عُقَابِ الصَّحراءِ ...
مِن ذُبِّ الصَّحراءِ ...



— نَعَم ...

نعم ...
أنا أَسْمَعُ!



— سَيِّدِي ... سَيِّدِي ... أَخْبَارُ
مُهَمَّةٌ ... أَخْبَارٌ مُهَمَّةٌ جَدًّا ...

سَمِعْتُ قَبْلَ لَحَظَاتٍ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ ...
— عَدَدُ الْمُقَاتِلِينَ «كَثِيرٌ»!
— وَ هُمْ «مَسْرُورُونَ» جَدًّا!
— اسْمُ قَائِدِ الْعَمَلِيَّاتِ «مَسْعُودٌ»!
وَ لَهُمْ «هَجُومٌ» هَذِهِ اللَّيْلَةَ!
هُمْ «قَادِمُونَ» عَنِ طَرِيقِ الْبَحْرِ ...



— سَمِعْتُ ... سَيِّدِي ... سَمِعْتُ؟!

— نَعَمْ ... نَعَمْ ...

— تَمَامٌ

مِنَ عُقَابِ الصَّحْرَاءِ إِلَى مَقَرِّ

القائد:

الهُجُومُ قَرِيبٌ ...

الآنِ سِحَابٌ ... الآنِ سِحَابٌ ...

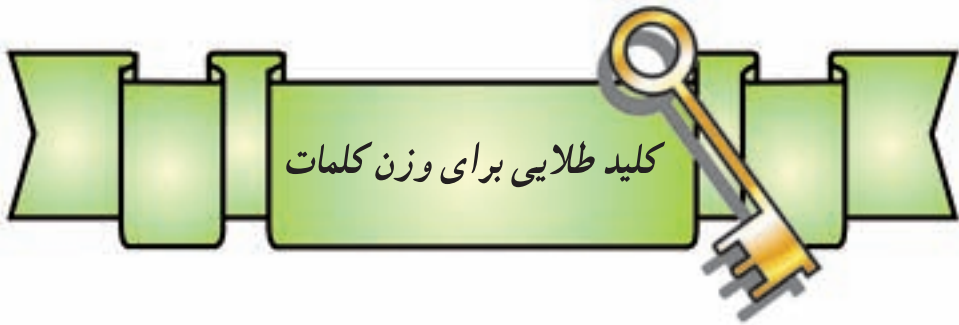
سَرِيعاً ... سَرِيعاً ...!



الآنِ سِحَابٌ ... الآنِ سِحَابٌ ...
بِسُرْعَةٍ ... بِسُرْعَةٍ

سَرِيعاً ... سَرِيعاً ...





بازی با حروف

خانم معلم به محض این که وارد کلاس شد، سه نفر از دانش‌آموزان را فراخواند تا جلوی تخته بایستند :

ف	_____	فرشته
ع	_____	عطیه
ل	_____	لیلا

ماجرا چه بود؟ آن سه نفر از این که ناگهان احضار شده بودند، کمی جا خوردند ولی در برابر شاگردان ایستادند و منتظر ماندند تا ببینند خانم معلم چه می‌گوید و چه می‌خواهد.

خانم معلم سه عدد مقوا را که روی هر یک، حرف اول اسم یکی از آن سه دانش‌آموز نوشته شده بود، به بچه‌ها نشان داد. سپس مقوای هر یک را به خودش داد. بعد، از آن‌ها خواست به ترتیب ف ع ل بایستند. بچه‌ها تازه متوجه شدند که موضوع درس امروز «وزن کلمات» است.

به هر حال، فرشته، عطیه و لیلا که مقواها را مقابل خود گرفته بودند، به ترتیب زیر ایستادند :



یکی از بچه‌ها پرسید: «خانم، چرا فقط همین سه نفر را احضار کردید؟»
 خانم معلم گفت: «چون معمولاً کلمات عربی براساس سه حرف اصلی ساخته می‌شوند». بعد اضافه کرد:
 «این افراد نمی‌توانند جایشان را با هم عوض کنند.»

اول: فاء

دوم: عین

سوم: لام

لذا هر کلمه‌ی سه حرفی که به آن‌ها بدهیم، حروف آن به همین ترتیب قرار می‌گیرد.»
 در این موقع، خانم معلم سه حرف کلمه‌ی «نَصَرَ» را روی تابلویی به بچه‌ها نشان داد و گفت: «بچه‌ها،
 هریک از این سه نفر کدام یک از این حروف را می‌توانند بردارند؟» بچه‌ها یک صدا جواب دادند:

«فرشته، حرف (ن)،

عطیه حرف (ص)

و لیلحرف (ر).»

یکی از دانش‌آموزان پرسید:

«آیا همه‌ی کلمات فقط از سه حرف تشکیل می‌شوند؟»

خانم معلم گفت: «نه. فعلاً به این افراد و حروف آن‌ها، افراد یا **حروف اصلی** می‌گوییم که همواره به جای آن‌ها، حروف دیگری قرار می‌گیرند ولی حروف دیگری هم هستند که لابه‌لای این‌ها قرار می‌گیرند و همیشه ثابت‌اند و هرگز تغییر نمی‌کنند.»

آن‌گاه خانم معلم، آرزو را صدا کرد و مقوای «ا» (الف) را به او داد و از او خواست بین فرشته و عطیه بایستد. وقتی او در جای خود ایستاد، بچه‌ها یک صدا گفتند: «**فاعل**».

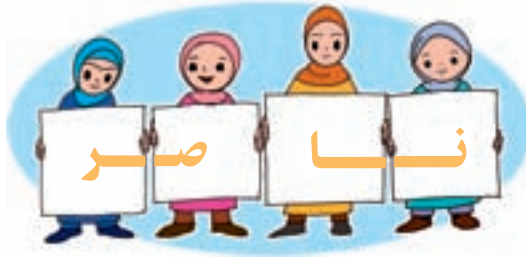
در هر کلمه‌ی سه حرفی:
 حرف اول، «**فاء الفعل**»
 حرف دوم، «**عین الفعل**»
 و حرف سوم، «**لام الفعل**»
 نام دارد.

حروف اصلی کدام‌اند؟

برای ساختن «فاعل»،
 جای «الف» کجاست؟



در یک چشم برهم زدن، افراد اصلی به اشاره‌ی خانم معلم کارت‌هایشان را عوض کردند ولی آرزو هم چنان با همان مقوا ایستاده بود و بچه‌ها یک صدا گفتند: «**ناصر**».



این کار چندین بار انجام شد. افراد اصلی مقواهایشان را عوض می کردند و بچه ها به ترتیب می خواندند :
عابد ... عالم ... قادر ... راحم

وقتی این کلمه سازی ها تمام شد، معلم گفت :

«برای ساختن کلمه ی (نصیر)، کدام یک از بچه ها را صدا بزنم؟»
بچه ها «یاسمن» را نام بردند. خانم معلم گفت : «بله، حرف (ی) لازم است.» سپس از آرزو خواست سر جایش برگردد. آن گاه یاسمن را صدا زد و مقوای «ی» را به او داد و گفت : «خوب، حالا یاسمن کجا بایستد؟»

بچه ها با اندکی تأمل پاسخ دادند : «بین عطیّه و لیلا.»

معلم گفت : «بله، درست می گوید. آیا حالا می توانید کلماتی بر

وزن «فعلیل» بسازید؟» بچه ها باز هم اندکی تأمل کردند و گفتند :

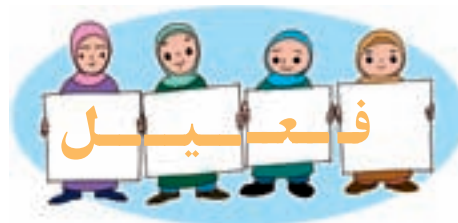
علیم، قدیر، عبید، رحیم ...

حروف **ف، ع، ل** فقط جایشان ثابت است ولی هر حرف دیگری می تواند به جای آن ها بیاید، ولی «ا» هم مکانش ثابت است و هم خودش.

وزن «**فاعل**» ریشه های سه حرفی را به مفهوم «**صفت**» **فاعلی** تبدیل می کند.

فعلیل

حالا نوبت یاسمن است.
جای «ی» کجاست؟



معلم از یاسمن نیز خواست به جای خود برگردد ولی سه نفر اصلی هم چنان باقی ماندند. این بار، معلم «مریم» و «وجیهه» را صدا زد و مقواهایشان را تحویل داد و به آن ها گفت : «روش کار را به خوبی یاد گرفته اید ؛ من چند کلمه را به ترتیب می گویم و شما جایتان را پیدا می کنید.» آن گاه معلم شمارش کلمات را آغاز کرد :

منصور، معبود، مقدور، معلوم، مرحوم ...

بچه ها می خواستند با معلم هم صدا شوند. او گفت : «حالا که

دوست دارید کلمه شماری کنید، چند ریشه می گویم، شما آن ها را به وزن

«مفعول» تبدیل کنید.»

وزن «**فعلیل**» کلمات سه حرفی را به مفهوم «**صفت مطلق**» تبدیل می کند.

البته در این فاصله، مریم و وجیهه در جای خود ایستاده بودند.

وقتی ریشه‌ی سه حرفی
به وزن «مفعول»
درمی‌آید، مفهوم
«صفت مفعولی» پیدا
می‌کند.



معلم : سَأَلَ
معلم : جَهَّلَ
معلم : سَمِعَ
معلم : جَرَحَ
بچه‌ها : مَسْئُول
بچه‌ها : مَجْهُول
بچه‌ها : مَسْمُوع
بچه‌ها : مَجْرُوح

وقتی شمارش مفعول‌ها تمام شد، بچه‌ها گفتند: «چه بازی خوبی! آیا باز هم ادامه می‌دهیم؟»
- نه، همین بس است؛ چون اگر بخواهیم، تا فردا صبح هم می‌توانیم ادامه بدهیم؛ زیرا:

برای ساختن وزن
«مفعول»، حروف ثابت
کدام‌اند؟

- در اغلب کلمات عربی معمولاً سه حرف اصلی وجود دارد.
- با افزودن حروف «زائد»، وزن جدید ساخته می‌شود.
- هریک از کلمات عربی دارای آهنگ یا وزن خاصی‌اند.

هر کلمه دارای وزن
معینی است.

- چه جالب!
- بله، جالب است. اگر یادتان باشد، فعل‌های ماضی و مضارع هم همین‌طور بودند؛ مثل وزن فَعَلَ.

بچه‌ها گفتند: كَتَبَ، نَصَرَ، ذَهَبَ، جَلَسَ....
- و مثل وزن يَفْعَلُ.
بچه‌ها گفتند: يَكْتُبُ، يَنْصُرُ، يَأْكُلُ، يَأْخُذُ....

به خاطر بسپارید

حروف اصلی	و م ل ع ف	ا ل ع ف	ی ل ع ف
	مفعول منصور	فاعل ناصر	فعل نصير
حروف اصلی	ر ص ن و م	ر ص ن ا	ر ص ن ی
	وزن		

تَمَارِينُ



با توجه به متن درس، پاسخ صحیح را با علامت x مشخص کنید.

مَنْ

۱- مَنْ كَانَ فِي خَيْمَةِ قِيَادَةِ الْعَدُوِّ؟
الجنود ○ أمراء الجيش ○

كَيْفَ

۲- كَيْفَ كَانَ جُنْدِي الْعَدُوِّ؟
ثَقِيلَ السَّمْعِ ○ حَسَنَ السَّمْعِ ○

مَتَى

۳- مَتَى كَانَ وَقْتُ الرُّجُوعِ؟
نَهَاراً ○ لَيْلاً ○

هَلْ

۴- هَلْ كَانَ الْهُجُومُ قَرِيباً؟
نعم ○ لا ○

الْتَمْرِينُ الثَّانِي



در متن درس، کلمه‌هایی هم وزن و هم آهنگ اوزان زیر وجود دارد. آن‌ها را پیدا کنید و هریک را در جای خود بنویسید.

أَسْمَاءُ				أَفْعَالُ			
فَاعِلٌ	مَفْعُولٌ	فَعِيلٌ	فُعُولٌ	أَفْعَلٌ	فَعِلَتْ	فَعِلْتُ	فَعَلَ

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ

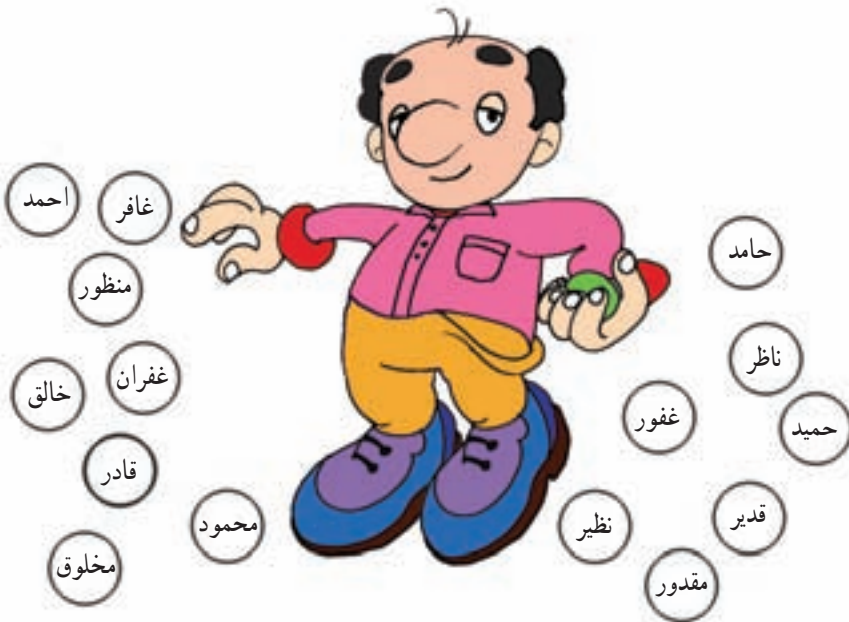


کلمات هم وزن و هم آهنگ را با یک خط به هم وصل کنید.

- | | |
|---------------|---------------|
| ○ يَخْرُجُونَ | ○ كَتَبَ |
| ○ عَبَدَ | ○ تَفَقَّدَ |
| ○ تَعَبَّدَ | ○ وُصُولَ |
| ○ كُحُولَ | ○ يَعْبُدُونَ |
| ○ طَرِيقَ | ○ تَصَدَّقَ |
| ○ تَقَبَّلَ | ○ شَمْسَ |
| ○ رَجَعَ | ○ عَجِيبَ |



این آقا آن چنان مهارت دارد که می تواند گوی ها را یکی پس از دیگری در ظرفی که حروف اصلی کلمه ی گوی، روی آن نوشته شده است، بیندازد. شما پیش بینی کنید کدام یک از گوی ها در کدام یک از ظرف ها قرار می گیرد؛ هر کلمه را در ظرف خود قرار دهید.



الْتَّمَرِينُ الْخَامِسُ



وزن و آهنگ کلماتی را که از دهان دانش‌آموزان بیرون می‌آید، با توجه به قرینه‌ای که در کنار هر کلمه وجود دارد، مشخص کنید.

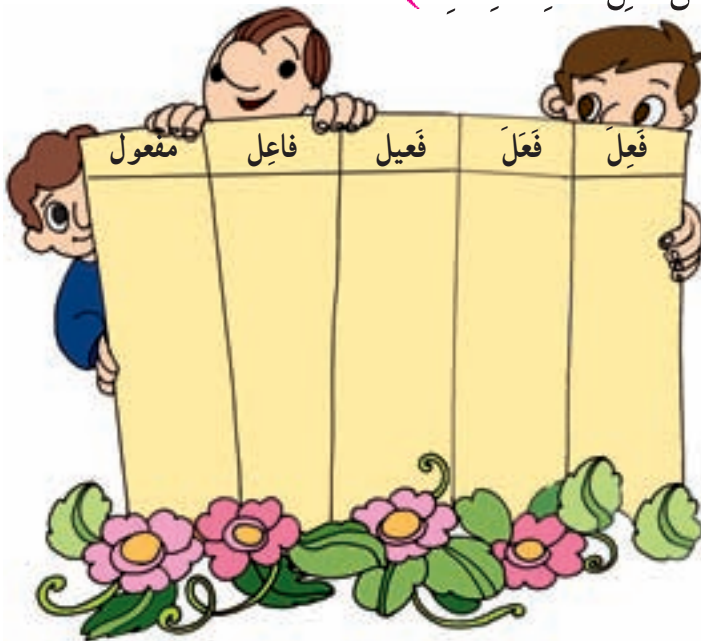


التَّامِرِينَ السَّادِسُ



در آیات زیر کلمات هم وزن با «فَعَلَ»، «فَعِيلٌ»، «فَاعِلٌ»، «مَفْعُولٌ» را مشخص کنید و در جای خود بنویسید.

- ۱- ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾
- ۲- ﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ﴾
- ۳- ﴿صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾
- ۴- ﴿إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾
- ۵- ﴿إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ...﴾
- ۶- ﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾
- ۷- ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ﴾
- ۸- ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ﴾



۱- کلمات ستاره‌دار در قسمت «المعجم» ترجمه شده است.

الْتَمَرِينُ السَّابِعُ



جدول زیر را کامل کنید.

حروف زاید	حروف اصلی	کلمه‌ی هم‌خانواده	وزن	کلمات
ا	ن - ص - ر	منصور	فاعِل	ناصِر
				علیم
				مکتوب
				طَلَبَ
				أَحْسَنَ
				جُنُود

ترجمه‌ی تصویری

آیا می‌توانید یک نمایشگاه تشکیل دهید؟

این جملات را به وسیله‌ی تصاویر مناسب، به مسائل اجتماعی، سیاسی، جهانی و ... ربط دهید.

- أَخْبَارٌ مُّهْمَةٌ جِدًّا!
- الْإِنْسِحَابُ... الْإِنْسِحَابُ...
- الْهَجُومُ قَرِيبٌ!
- هُمْ مَسْرُورُونَ شَدِيدًا!



الدَّرَاسَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

شما با کلمات زیر به طور مستقیم یا از طریق هم خانواده‌ی آن‌ها در متن درس آشنا شده‌اید. هریک از آن‌ها را با توجه به معنای آیات در جای خالی قرار دهید.

مَسْرُورًا - فَرِحَ - جُنُودٌ

(اشفاق/ ۱۳)

۱- ﴿إِنَّهٗ كَانَ فِي أَهْلِهِ...﴾

او در (میان) خانواده‌ی خود شادمان بود.

(فتح/ ۴)

۲- ﴿وَلِلَّهِ... السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

و از آن خداست لشگرهای آسمان‌ها و زمین.

(شوری/ ۴۸)

۳- ﴿وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً... بَهَا﴾

و ما چون رحمتی از جانب خود به انسان بچشانیم، از آن شاد و خوشحال می‌شود.



در هر یک از مجموعه‌ها، یک کلمه با وزن مشابه وجود دارد. آن وزن را مشخص کنید و در داخل دایره بنویسید.

۱. عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

۲. غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ

۳. كَاتِبِ بِالْعَدْلِ

۴. وَكَاتِبِ نِيَّتِكُمْ

۵. إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

۶. فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ

۷. وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلْمَسْئَلِ وَالْمَحْرُومِ

۸. أَوْلَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ

۹. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۱- دانای نهای و آشکار است. (أنعام / ۷۳)
- ۲- آمرزنده‌ی گناه و پذیرنده‌ی توبه (غافر / ۳)
- ۳- پس باید نویسنده‌ای میان شما (آن دین را) به درستی و داد بنویسد. (بقره / ۲۸۲)
- ۴- هر آینه این قرآنی است گرمی و ارجمند. (واقعه / ۷۷)
- ۵- به راستی تو شنوای دعا هستی! (آل عمران / ۳۸)
- ۶- به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان. (فاتحه / ۱)
- ۷- پس پروردگار خویش را صدا زد که : من شکست خورده‌ام! (قمر / ۱۰)
- ۸- و کسانی که در مال‌هایشان حقی است معلوم و مشخص برای نیازمند و درمانده و بینوا. (معارج / ۲۴ و ۲۵)
- ۹- برای ایشان روزی معینی است. (صافات / ۴۱)

الرّاعية الصّغيرة

الطفلة تسكن
في الكوخ.

ماذا أعمل؟!
أنا جائعة...!!
أسرتي فقيرة!!

في هذه
اللحظة

سمعت صوتاً...

فخرجت من الكوخ

أيتها الطفلة! هل
تقدرين على
عمل؟

- سرح الأغنام صعب!
أنت طفلة...!

- أنا... أنا... نعم...
نعم... حتماً... أنا
قويّة.

- لا... لا... سيدي...
أنا أقدير!

فَجَاءَ...

في
الصحراء

فَقَدَّتْ نَعْجَةً!
أَيْنَ ذَهَبَتْ؟
هل أكلها الذئب؟
آه...
ماذا أفعل؟!

ذَهَبَتْ بِسُرْعَةٍ... فَوَجَدَتْهَا... بَيْنَ الْأَعْشَابِ!...



و لكن في غيابها جاء ذئبٌ وسرق نَعْجَةً.

رَجَعَتْ إِلَى الْقَرْيَةِ بَاكِئَةً!



و قَالَتْ...
مَا غَفَلْتُ!
مَا كَسَلْتُ!
مَا تَرَكْتُ الْأَغْنَامَ!

في البيت

– سيدي... سيدي... الدُّبُّ...

الدُّبُّ...

– ماذا؟!

– الدُّبُّ... عَفْوَاً... سيدي...

– أنتِ لَا تَعْمَلِينَ بِدَقَّةٍ... وَلَا
تَرْجِعِينَ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ...

و ضَرَبَ الطِّفْلَةَ بِشِدَّةٍ!



وَصَلَ الْخَبْرُ إِلَى النَّبِيِّ (ص)

فَحَزَنَ شَدِيدًا.

— أَيُّهَا الرَّجُلُ! أَتَقْدِرُ طِفْلَةً عَلَى مُوَاجَهَةِ حَيَوَانٍ وَحَشِيٍّ؟! أَتَطْلُبُ شَيْئًا مُحَالًا؟!

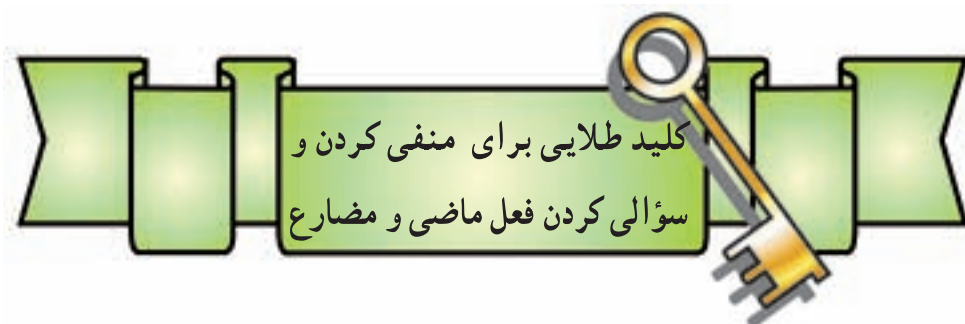
فَخَجِلَ الرَّجُلُ ...

جَاءَتِ الطِّفْلَةُ وَآتَارُ الدَّمْعِ عَلَى عَيْنَيْهَا.

فَنظَرَ النَّبِيُّ (ص) إِلَى الرَّجُلِ ...

ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ خَدَمَكُمْ إِخْوَانُكُمْ...»

فَخَجِلَ الرَّجُلُ شَدِيدًا وَنَدِمَ كَثِيرًا
عَلَى عَمَلِهِ.



خاطره‌ی یک معلم

درس عربی را با روشی تدریس می‌کردم که دانش‌آموزان در کلاس به زبان عربی حرف بزنند. به عربی حرف زدن کار چندان ساده‌ای نبود ولی بچه‌ها با هر سختی‌ای بود، مطلبشان را به زبان عربی می‌گفتند. یک روز، وقتی می‌خواستم وارد کلاس بشوم، برخلاف همیشه سروصدای زیادی از داخل کلاس بلند بود. در را باز کردم. به محض این‌که وارد کلاس شدم همه ساکت شدند، انگار نه انگار که چند لحظه پیش، چنان سروصدایی در کلاس بر پا بود.

به عربی پرسیدم :

● من صَرَخَ؟!

● لِمَاذَا كَتَبْتُمْ عَلَى اللُّوحِ؟!

● أَنْتُمْ طُلَّابٌ؟!

● أَيْنَ مَسْؤُولُ الصَّفِّ؟!

● هَلْ هَذَا صَفٌّ؟!

● كَيْفَ...؟

هیچ‌کس جواب نداد. کلاس هم چنان ساکت بود. چند بار سوآلاتم را تکرار کردم، باز هم جوابی نیامد. دو نفر از بچه‌های نسبتاً بازیگوش کلاس را به جلوی تخته فراخواندم. هر دو مقابل تخته ایستادند و من سوآلاتم را تکرار کردم و به یکی از آن‌ها نگاه کردم. او هیچ چیز نمی‌گفت ولی گاهی لبش می‌جنبید و با خودش چیزی می‌گفت.

یک هفته‌ی بعد، همین دانش‌آموز اوضاع و احوال آن روز را برایم

چگونه پرسیدیم؟
 کلمات استفهامی
 کدام‌اند؟

چگونه می‌گویید :
 نوشتم یا نوشتیم؟

تعریف کرد و گفت: «در آن لحظه که شما می‌خواستید بدانید چه کسی فریاد کشیده و چه کسی روی تخته نوشته است، من در این فکر بودم که چگونه بگویم (ننوشتیم) و (ما فریاد نکشیدیم). منفی کردن فعل را خوانده بودیم ولی در آن لحظات همه چیز از یادم رفته بود و تنها چیزی که به زبانم می‌آمد، همان دو کلمه‌ی «صرختُ» و «کتبتُ» بود. سعی کردم این دو کلمه را زیر لب تکرار کنم بلکه دانش‌آموز بغل دستی‌ام چیزی یادش بیاید. لذا چند بار با خودم زمزمه کردم:

کتبتُ یعنی نوشتم.
اما «ننوشتیم»، چه می‌شود؟

کتبتُ کتبنا
صرختُ صرخنا

در این بین دانش‌آموز بغل دستی‌ام مرتب زیر لب تکرار می‌کرد: **ما... ما...**

پیش خودم فکر کردم که او می‌خواهد فداکاری کند، گناه را گردن چند نفر از «ما» بیندازد و قضیه را فیصله بدهد. این بود که وقتی برای آخرین بار پرسیدید:

مَنْ كَتَبَ عَلَى اللّٰوْحِ؟!
مَنْ صَرَخَ فِي الصَّفِّ؟!

«ما» کلید حل
مشکل است.

با صدای بلند پاسخ دادم: «ما!» غافل از این که منظور هم‌شاگردیم «ما»ی علامت نفی بود که وقتی بر سر فعل بیاید آن را منفی می‌کند؛ یعنی، باید می‌گفتم:

«ما كَتَبْتُ» یا «ما كَتَبْنَا»
«ما صَرَخْتُ» یا «ما صَرَخْنَا»

«ما»ی نفی
چیست؟

اما کار از کار گذشته بود و شما مرا به دفتر فرستادید..»

این‌ها حرف‌های آن دانش‌آموز بود. به یادم می‌آید آن روز وقتی او گفت «ما»، ناراحتی من بیش‌تر شد. یکی به‌خاطر این که او در کلاس به زبان غیرعربی حرف می‌زد و دیگر این که به این راحتی و بی‌تفاوتی اقرار می‌کرد! پس هر دو را به دفتر ناظم مدرسه فرستادم.

آن‌ها در حضور ناظم مدرسه بگو مگوی بسیاری کرده بودند. این یکی گفته بود: «خودت گفتی که بگو ما این کار را کرده‌ایم!» و آن دیگری جواب داده بود: «من گفتم که به اول (کتبتُ) و (صرختُ)، (ما) اضافه کن! مگر درس چند هفته‌ی پیش را فراموش کرده‌ای که اگر (ما) بر سر فعل **ماضی بیاید، منفی می‌شود.**» او تازه فهمیده بود که چه اشتباه خنده‌داری کرده است ولی چون درسش را با دقت نخوانده بود، به دوستش گفته بود: «مگر این (لا)

«لا» یک کلید دیگر است اما برای فعل مضارع.

سؤالات کلیدی!

نمود که فعل را منفی می‌کرد؟» دوستش پاسخ داده بود :

لا : معمولاً فعل مضارع را منفی می‌کند.

ما : معمولاً فعل ماضی را منفی می‌کند.

ناظم که از این جروب‌بحث‌ها احساس کرده بود این بچه‌ها بی‌گناه‌اند،

آن‌ها را به کلاس آورد و بی‌مقدمه سؤالاتی را مطرح کرد :

● علامت منفی کردن فعل ماضی چیست؟

● فعل ماضی چگونه منفی می‌شود؟

● علامت منفی کردن فعل مضارع چیست؟

من با تعجب از این‌که چرا در این گیرودار ناظم مدرسه به دنبال منفی کردن فعل است، به سؤالات او پاسخ دادم.

ناظم چون تعجب مرا دید، تمام ماجرا را شرح داد و گفت : «بی‌دقتی این دانش‌آموز (همان کسی که گفته بود : ما) باعث این دردسر شد.» سپس اضافه کرد : «بچه‌ها با اجازه‌ی من در کلاس نمایش‌نامه‌ای را تمرین می‌کردند که درست در لحظه‌ی هیجان‌انگیز آن شما سر رسیده بودید و آن نوشته‌های روی تخته هم بخشی از نمایش بود.»

من آن روز، یک نمره از نمره‌ی کلاسی آن دانش‌آموز به خاطر این‌که نمی‌دانست فعل ماضی و مضارع چگونه منفی می‌شود کسر کردم و یک نمره به نمره‌ی کلاسی شاگرد دیگر اضافه کردم. از آن به بعد، وقتی می‌خواهم بگویم :

□ فعل ماضی با «ما» منفی می‌شود، به یاد آن دو نفر می‌افتم، و وقتی می‌خواهم بگویم :

□ فعل مضارع با «لا» منفی می‌شود، به یاد سؤالات ناظم مدرسه می‌افتم که چه قدر خوب و

منطقی با این مشکل روبه‌رو شد.

هل	+ ذهبت إلى المدرسة؟
أ	+ أنتم مسلمون؟
من	+ أنت؟
ما	+ ذلك؟
ماذا	+ تقرأ؟
كيف	+ حالك؟
أين	+ المدرسة؟
متى	+ ذهبت؟

□ کلمات استفهامی

□ ما + فعل ماضی ← منفی
ما + ذهبوا ← ما ذهبوا

□ لا + فعل مضارع ← منفی
لا + يذهبون ← لا يذهبون

این را هم به خاطر بسپارید که

هرگاه بر سر فعل مضارع حرف «سین» یا «سوف» درآید، به معنای مستقبل

فارسی ترجمه می شود؛ مانند: أَذْهَبُ (می روم) ← سَأَذْهَبُ و سوف أَذْهَبُ (خواهم رفت)

تَمَارِينُ

التَّامِرِينُ الْأَوَّلُ



با توجه به متن درس، در مقابل پاسخ صحیح علامت × بگذارید.

متی

- ۱- متى سَرَقَ الدَّيْبُ أَحَدَ الْأَغْنَامِ؟
في حُضُورِ الطِّفْلِ ○ حينما كان
○ أَحَدُ الْأَغْنَامِ بَيْنَ الْأَعْشَابِ ○

هل

- ۲- هل كانت الطِّفْلَةُ مَقْصِرَةً؟
○ لا ○ نعم

أ

- ۳- أَضْرَبَتِ الطِّفْلَةَ الرَّجُلُ؟
○ لا ○ نعم

لماذا

- ۴- لِمَاذَا قَبِلَتِ الطِّفْلَةُ كَلَامَ الرَّجُلِ؟
○ لِأَنَّهَا تُحِبُّ سَرْحَ الْأَغْنَامِ ○
○ لِأَنَّهَا كَانَتْ جَائِعَةً ○

التَّمْرِينُ الثَّانِي



با توجه به تصویر پاسخ دهید.



۲- أَتَرَكَتِ الطِّفْلَةَ يَدَ أُمِّهَا؟



۱- أَيْنَ يَقْرَأُ الطَّالِبُ دَرُوسَهُ؟



۴- مَاذَا تَحْمِلُ الطَّالِبَةُ بِيَدِهَا؟



۳- مَتَى يَرْجِعُ الْوَالِدُ إِلَى الْبَيْتِ؟



۵- هَلْ يَسْجُدُ الطِّفْلُ لِرَبِّهِ؟

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

پاسخ سوالاتِ ستون «الف» را از ستون «ب» پیدا کنید و آن دو را با خطی به هم وصل کنید.

«ب»	«الف»
○ لِلشُّكْرِ	- مَنْ يَقْرَأُ؟
○ بِأَدَبٍ	- مَاذَا تَحْمِلِينَ؟
○ مَسَاءً	- هَلْ تَأْكُلُونَ؟
○ جَبَلٌ	- لِمَاذَا تَسْجُدُ؟
○ إِلَى الْمَسْجِدِ	- كَيْفَ تَسْأَلِينَ؟
○ نَعَمْ	- مَا ذَلِكَ؟
○ الْكُتُبَ	- مَتَى تَرْجِعُ؟
○ لَا	- أَيْنَ تَذْهَبُ؟
○ الطَّالِبِ	- أَتَحْزَنِينَ؟

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

جملات مثبت را به منفی و منفی را به مثبت تبدیل کنید.

- ۱- لِمَاذَا لَا تَذْكُرِينَ نِعْمَةَ رَبِّكَ؟
- ۲- سَأَلَتِ الْمُعَلِّمَةَ عَنِ النَّبَأِ * الْعَظِيمِ!
- ۳- إِنَّ أَوْلِيَاءَ * اللَّهِ يَحْزَنُونَ.
- ۴- هُمْ لَا يَسْمَعُونَ قَوْلَ الْحَقِّ.

- ۵- هؤلاء يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ.
- ۶- مَا دَفَعَ الْمُؤْمِنُ زَكَاةَ عِلْمِهِ.

التَّيْمِينُ الْخَامِسُ



- عبارت‌های زیر را به عربی ترجمه کنید.
- آیا این کتاب را خواندی؟
- نه، من این کتاب را نخواندم.
- چه کار کردی؟
- نامه‌ای نوشتم.
- الآن کجا می‌روی؟ آیا به خانه می‌روی؟
- نه، به کتابخانه می‌روم. الآن به خانه نمی‌روم^۱.

التَّيْمِينُ السَّادِسُ



- آیات زیر را با دقت بخوانید و ترجمه کنید.
- ۱- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾
- ۲- ﴿لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ﴾
- ۳- ﴿فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ...﴾
- ۴- ﴿كَيْفَ صَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ؟﴾



الدراسات القرآنية

به کلمه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، نگاه کنید. با توجه به

متن درس هم‌خانواده‌ی این کلمه‌ها را بیابید و داخل دایره بنویسید.

۱- ﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾ (نحل/ ۶)

و در آن‌ها (چارپایان) برای شما زیبایی است. آن‌گاه که (آن‌ها را) از چرا برمی‌گردانید و

هنگامی که به چرا می‌برید.



۲- ﴿لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنَ جُوعٍ﴾ (غاشية / ۷)

(غذای جهنم) نه فربه می‌کند و نه گرسنگی را برطرف می‌کند.



۳- ﴿وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ (بقره / ۲۳۷)

و عفو کردن به تقوی نزدیک‌تر است.



با توجه به معنای آیات زیر، «کلمه‌ی استفهامی» یا «حرف نفی» مناسبی

در جاهای خالی بگذارید.

۱- ﴿وَيَقُولُونَ ... هَذَا الْوَعْدُ؟﴾ (نمل / ۷۱)

و می‌گویند: این وعده چه وقت خواهد بود؟

۲- ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ... خُلِقَتْ﴾ (غاشية / ۱۷)

آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟

(تکویر / ۲۶)

۳- ﴿فَ... تَذْهَبُونَ﴾

پس کجا می روید؟

(ص / ۷)

۴- ﴿... سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ﴾

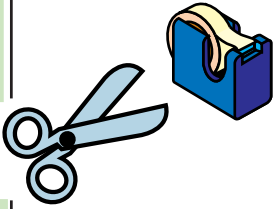
این (مطلب) را در آیین اخیر شنیده ایم!

ترجمه‌ی تصویری

کدام یک از تصاویر انتخابی را برای نمایشگاه در نظر می‌گیرید؟

- أَنَا جَائِعَةٌ.
- نَدِمُ كَثِيرًا عَلَى عَمَلِهِ.
- جَاءَ ذَنْبٌ وَ سَرَقَ نَعِيجَةٌ.
- مَاذَا أَعْمَلُ؟!

از تصاویر مجلات و کتاب‌ها، و کاریکاتورها برای بیان مفهوم این عبارت‌ها استفاده کنید.



إِصْنَعْ وَاعْمَلْ

گل چرخان

○ روی مقوآ، سه گل به یک اندازه بکشید. یکی دارای ۳ گلبرگ، دیگری با ۴ گلبرگ و سومی با ۵ گلبرگ. سپس دور تا دور آن‌ها را ببرید و داخل هر گلبرگ، یکی از صیغه‌های فعل مضارع را بنویسید.

✓ گل دارای ۵ گلبرگ، برای صیغه‌های جمع

✓ گل دارای ۴ گلبرگ، برای صیغه‌های مفرد

✓ گل دارای ۳ گلبرگ، برای صیغه‌های مثنی و متکلم مع‌الغیر

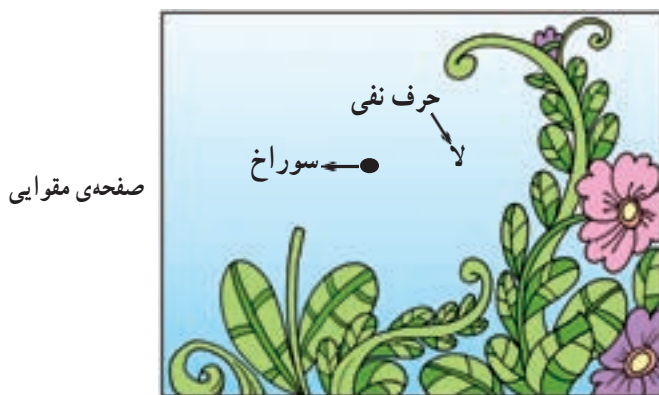
○ وسط هر گل را به اندازه قفل تکمه قابلمه‌ای سوراخ کنید.



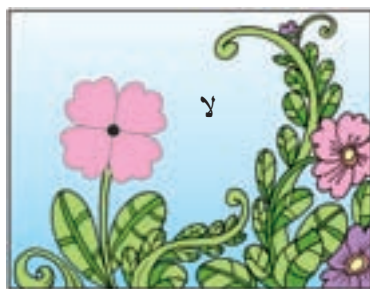
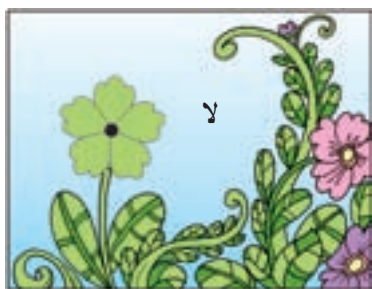
○ روی یک صفحه‌ی مقوایی، جایی برای نصب گل‌ها در نظر بگیرید و همان‌جا را به اندازه‌ی قفل تکمه قابل‌مه‌ای سوراخ کنید تا هر یک از گل‌ها را بتوانید با یک تکمه قابل‌مه‌ای روی صفحه‌ی مقوایی نصب کنید.

○ روی صفحه‌ی مقوایی، شاخه و برگ و سایر تزئینات لازم را رسم کنید.

○ کنار جایی که گلبرگ‌ها قرار می‌گیرند، یک «لا» بنویسید.



○ گل‌ها را به ترتیب، روی صفحه‌ی مقوایی نصب کنید و در جای خود بچرخانید. هر یک از صیغه‌های فعل مضارع را که در مقابل «حرف نفی» («لا») قرار می‌گیرد، بخوانید و آن را معنا کنید. (می‌دانید که برخی از صیغه‌ها دارای چند معنای متفاوت‌اند.)



أُنشُودَةٌ

ما أَعْظَمَ الْإِلَهَ!

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
وَالْبُرُّ وَالْبِحَارُ
جَمِيعُهَا تُشِيرُ
بِقُدْرَةِ الْإِلَهَ



الشَّمْسُ وَالْهَوَاءُ
وَالطَّيْرُ فِي الْفِضَاءِ
جَمِيعُهَا تُشِيرُ
بِقُدْرَةِ الْإِلَهَ



و هذه المِياهُ
تُجَدِّدُ الْحَيَاةَ^٢
مِنْ خَيْرِهِ الْكَثِيرِ^٣
و فَضْلِهِ الْكَبِيرِ
ما أَعْظَمَ الْإِلَهَ
و أَكْرَمَ الْإِلَهَ^٤

٢- که زندگی را نو و تازه می کند.

١- چه بزرگ است معبود.

٤- و چه کریم و بخشنده است این معبود!

٣- از خیر و برکت فراوان اوست.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

أَصْحَابُ الْكَهْفِ



فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ
كَانَ النَّاسُ فِي
رَعْدٍ وَرَفَاهٍ

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

سَمِعَ النَّاسُ: أَيُّهَا النَّاسُ! أَيُّهَا النَّاسُ!

هَذَا أَمْرٌ مِنَ الْمَلِكِ الْقَاهِرِ، السُّلْطَانِ الْقَادِرِ «دَقْيَانُوسَ» الْعَظِيمِ:

«الشَّخْصُ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عِبَادَةَ الْأَصْنَامِ جَزَاؤُهُ الْقَتْلُ...»! أَيُّهَا النَّاسُ!...



مَلَأَ الْخَوْفُ وَالرُّعْبُ قُلُوبَ النَّاسِ.
بَدَأَ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ يَصْلِبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.

وَمِنْ بَعْدِ ذَلِكَ الْيَوْمِ

و كان في قَصْرِ الْمَلِكِ «أمير».

هو مؤمنٌ لا يَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ :

- إلهي أنا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ .
- إِرْحَمْ وَأُنْصِرْ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ!
- اجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِنَا خَيْرًا!



و بعد مُدَّةٍ فِي قَصْرِ الْمَلِكِ

جاءَ أَحَدُ الْوُشَاةِ وَقَالَ لِلْمَلِكِ :

أَيُّهَا الْمَلِكُ الْعَظِيمُ !
إِنَّ الْأَمِيرَ وَأَصْدِقَاءَهُ
خَارِجَ الْمَدِينَةِ الْآنَ ؛
هُمْ مَشْغُولُونَ بِعِبَادَةِ اللَّهِ
وَيَسْجُدُونَ لَهُ !!



غَضِبَ الْمَلِكُ بِشِدَّةٍ وَ أَمَرَ وَزِيرَهُ :

أَيُّهَا الْوَزِيرُ !

إِبْحَثْ عَنِ «الْأَمِيرِ»!

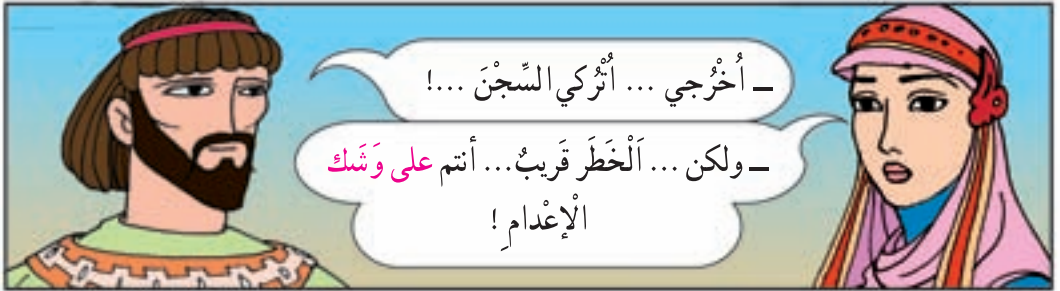
أَسْجِنْ هَؤُلَاءِ الْمُتَمَرِّدِينَ!

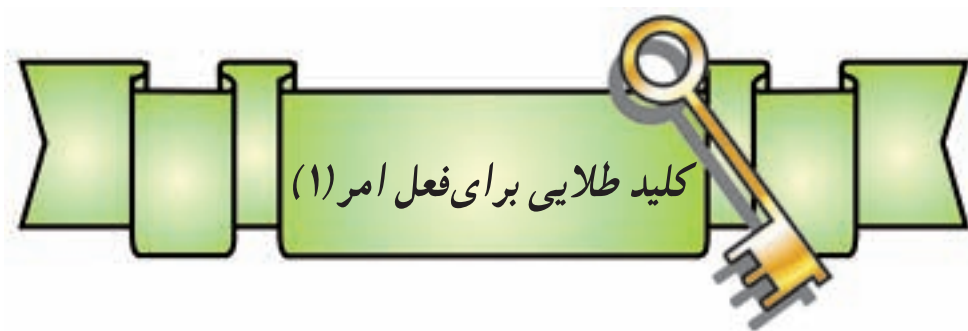
أَمْنَعْ عَنْهُمْ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ !

أُصَلِّبُهُمْ غَدًا فِي جُدُوعِ النَّخْلِ!



إِبْنَةُ الْمَلِكِ قَلْبُهَا مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
جَاءَتْ فِي اللَّيْلِ وَ بِيَدِهَا مَفَاتِيحُ السَّجْنِ ...





نمایش نامه‌ی پر در دسر

دانش‌آموزان تصمیم داشتند نمایش‌نامه‌ای به زبان عربی اجرا کنند. داستان از این قرار است که چند نفر تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. آنان به خدای واحد اعتقاد دارند و علیه حکومت بی‌دین زمان خود قیام کرده‌اند. حاکم می‌خواهد به وزیرش دستور دهد که آنان را دستگیر و زندانی نماید؛ اما دانش‌آموزی که باید در نقش حاکم بازی کند، نمی‌داند که در زبان عربی چگونه دستور می‌دهند. او باید خشمگینانه دستور بدهد:

چگونه فعل امر بسازیم؟

آنان را «پیدا کن»!

برای آنان نگهبان «بگذار»!

آب و نان را از آنان «دریغ کن»!

ناچار به سراغ معلم عربی رفت و موضوع را با او در میان گذاشت. راه‌حل معلم بسیار آسان بود. او

گفت: «من کلیدی به تو می‌دهم که با آن بتوانی همیشه فعل امر بسازی».

آن‌گاه پرسید:

«آیا فعل مضارع را می‌شناسی؟»

آیا فعل مضارع را می‌شناسی؟

دانش‌آموز پاسخ داد: «بلی.» و بلافاصله چند فعل را به زبان آورد...

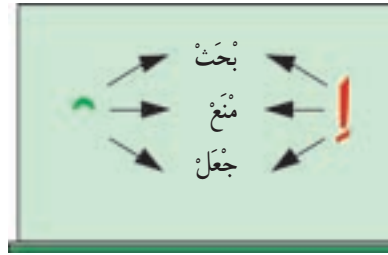
همان موقع، معلم یک‌ایک فعل‌ها را روی تخته نوشت:

_____	تَبَحَّثُ	_____
_____	تَمَنَعُ	_____
_____	تَجَلَّلُ	_____

ناگهان معلم گفت: «ا...»

دانش آموز از جا پرید. او گمان می کرد خطایی مرتکب شده یا اشتباهی از او سر زده است. معلم دوباره گفت: «ا...» دانش آموز بار دیگر با چشمان حیرت زده اطرافش را نگاه کرد. هیچ خبری نبود. فقط معلم را می دید که مشغول طراحی یک «ا» روی تخته است و وقتی کارش تمام شد، حرف «ت» را از ابتدای هر سه فعلی که روی تخته نوشته بود، پاک کرد.

«ا» یک کلید است.



علامت سکون به دو شکل

نوشته می شود: و و

آن گاه گفت: «بیا باهم معامله کنیم.»

□ هرچه «ت» در ابتدای فعل های مضارع آمده است، به من بده.

□ به جای آن یک «ا» به تو می دهم.

با آن، هرچه می خواهی فعل امر بساز.

— معامله ی خوبی است. ولی منظورتان چیست؟ چگونه؟

معلم چیزی نگفت ولی به نوشته های روی تخته خیره شد. دانش آموز هم همین کار را کرد و با خود گفت:

«لابد پاسخ من روی تخته است!» همین طور هم بود. او دید:

همه ی علامت های مضارع از ابتدای فعل ها پاک شده و به جای آن ها «ا» قرار گرفته است.

به گمان خودش پاسخ را یافته بود و فعل امر را یاد گرفته بود. از

معلم تشکر کرد و گفت: همه چیز را فهمیدم! می روم که فعل امر بسازم.

معلم با زیرکی گفت: آیا مطمئنی که همه چیز را فهمیده ای؟» او

که اندکی تردید کرده بود، گفت:

«مگر چیز دیگری هم باقی مانده است؟» و در همان حال به تخته

نگاه کرد.

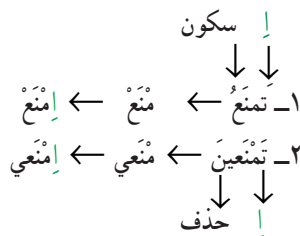
معلم گفت: «آری، به اوّل فعل توجه کردی اما آخرش را...»! او

وسط حرف معلم دوید و گفت: «آری درست می گوئید. حرف آخر همه ی

فعل ها ساکن شده است.»

سپس زیر لب زمزمه کرد: «اُبْحَثْ». معلم گفت: «درست است اما چیز دیگری هم هست که باید بدانی! من

چند فعل روی تخته می نویسم. دقت کن بین چیزی سر درمی آوری؟»



دانش آموز گفت: «آخر فعل دوم «ن» قرار داشت و حذف شده است.»

معلم توضیح داد: «آری، هرگاه آخر فعل «ن» باشد، حذف می شود؛

مانند:

تَدْهَبَانِ ← اِذْهَبَا

تَدْهَبُونَ ← اِذْهَبُوا

دانش آموز به راستی همه چیز را فهمیده بود. خدا حافظی کرد و رفت و وقتی می خواست متن نمایش نامه را بنویسد، از خودش پرسید:

■ فعل امر را از چه فعلی می سازیم؟

■ به جای حرف مضارع، چه حرفی قرار می دهیم؟

■ چه موقع حرف آخر ساکن شده و چه موقع حذف می شود؟

او پاسخ همه ی سوالات را می دانست ولی یک چیز جدید به یادش

آمد:

همزه ی بعضی از فعل های امر «مضموم» است؛ مثل: اُسْجِنُ. چرا؟

خیلی فکر کرد اما چیزی به خاطرش نرسید. پس دست به کار شد و

یک بار دیگر هرچه را درباره ی فعل امر می دانست روی کاغذ آورد. او

سعی کرد چند فعل مضارع را به امر تبدیل کند تا این راز را پیدا کند که:

«چرا همزه ی بعضی از فعل های امر، مضموم است؟»

او این جدول را برای خودش درست کرد و هر گروه از فعل های

مشابه را در یک ستون نوشت:

کلید فعل امر این است:
 ○ «اِ» به جای حرف مضارع
 ○ حذف «ن» از آخر فعل
 ○ سکون حرف آخر (وقتی «ن» نداشته باشد.)

پرسش های کلیدی

همزه ی فعل امر یا کسره یا ضمه؟

تَكْتُبُ ← اُكْتُبْ تَسْجُنُ ← اُسْجِنُ تَنْصُرُ ← اُنْصُرُ	تَجْلِسُ ← اِجْلِسْ تَصْبِرُ ← اِصْبِرْ تَرْجِعُ ← اِرْجِعْ	تَبَحَثُ ← اِبْحَثْ تَمْنَعُ ← اِمْنَعُ تَجْعَلُ ← اِجْعَلْ
همه ی امرها «اِ» دارند	همه ی امرها «اِ» دارند	همه ی امرها «اِ» دارند

امر و مضارع

همزه ی امر

چرا این طور است؟ فقط یک نکته به نظرش رسید. آن را یادداشت کرد و بار دیگر به سراغ معلم رفت و

پرسید:

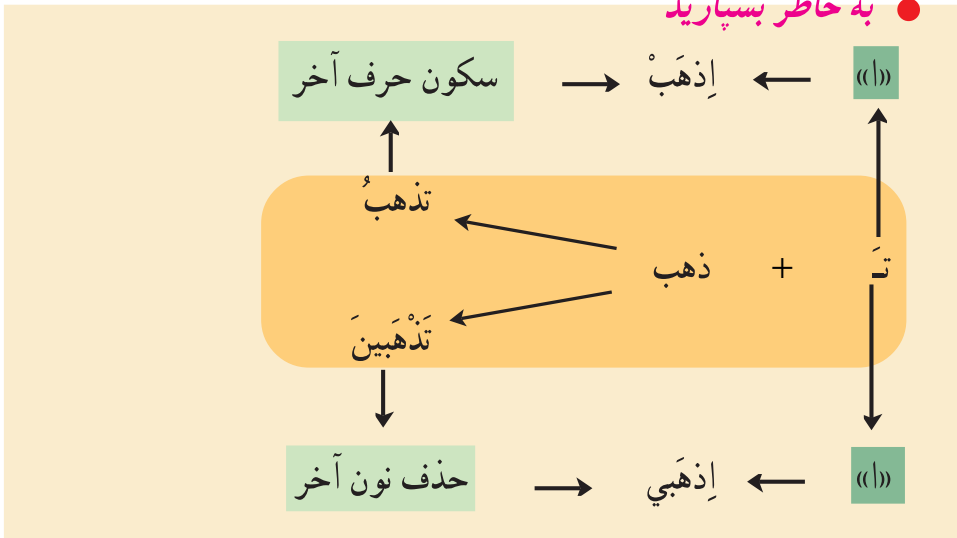
«آیا این نتیجه‌گیری من درست است که:

■ هرگاه سومین حرف فعل مضارع **ضَمَّة** داشته باشد، همزه‌ی امر هم **ضَمَّة** می‌گیرد و در غیر این صورت با **کسره** خوانده می‌شود؟»

معلم پاسخ داد: «آری. درست فهمیده‌ای.»

یک کلید برای تشخیص
حرکت همزه‌ی فعل امر

به خاطر بسپارید



تَمَارِينُ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ



با توجه به متن درس، در مقابل پاسخ صحیح علامت × بگذارید.

مَن

- ۱- مَن قَالَ: «إِجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِنَا خَيْرًا»؟
○ الأَمِيرُ ○ الوَزِيرُ
- ۲- مَن قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؟
○ الأَمِيرُ ○ الأَمِيرَةُ

هَلْ - أ

- ۳- هَلْ صَلَبَ الْمَلِكُ الْأَمِيرَ فِي جِدْعِ النَّخْلِ؟
○ لا ○ نعم
- ۴- أَهْرَبَ الْأَمِيرُ وَاصْدَقَاؤُهُ إِلَى الْكَهْفِ؟
○ لا ○ نعم

التَّامِرِينَ الثَّانِي



این پدر می‌خواهد پسر و دختر خود را نصیحت کند. از میان جملاتی که در ذهن دارد و دارای فعل امر است، کدام را برای پسر و کدام را برای دختر برمی‌گزیند؟ آن‌ها را در جای مشخص شده، بنویسید.



اِسْمَعِي كَلَامَ الْحَقِّ .
اُدْكُرِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ :
ذَهَبَتْ لِي زِيَارَةُ الْمَسَاكِينِ :
اِصْبِرِي عَلَي الْمُصِيبَةِ :
اَطْلُبِي عِزَّةً لِلْجَمِيعِ ...
اُعْبُدِي رَبَّكَ .
اِعْمَلِي لِلَّهِ .

اِبْدَأْ يَوْمَكَ بِذِكْرِ اللَّهِ :
غَضِبْتُ عَلَى الظَّالِمِ :
تَبَحُّثُ عَنِ الْحَقِيقَةِ :
اُنْظُرِي إِلَى عَظَمَةِ الْعَالَمِ :
دَخَلْتُ فِي دِينِ اللَّهِ :
تَرْجِعِينَ إِلَى رَبِّكَ .
تَتْرُكِينَ الْبَاطِلَ .



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ



از قسمت «الْبِدَايَةُ» (شروع) به سمت پایین، چندین راه وجود دارد؛ از این رو، سعی کنید از مسیری بروید که در مورد هر کلمه درست‌ترین توضیح را داده باشد. اگر پاسخ‌ها درست باشد، با چهره‌ای شاد و گرنه، با چهره‌ای عبوس روبه‌رو می‌شوید!

البداية

اُكْتُبُ

از ریشه‌ی شَرَبَ

اِشْرَبِي

اِشْرَبْ

فعل امر برای مفرد مذکر

فعل امر برای مفرد مؤنث

بنوش

فعل امر برای مفرد مذکر

فعل مضارع

اَنْصُرُ

يَارِي كُنْ

اِقْرَأِي

نَشْرَبْ

یاری کن

از ریشه‌ی قَرَأَ

ساخته شده از تَقْرَأُ

لَا يَكْتُبُ

فعل برای مفرد مؤنث

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

جمله‌های زیر را با فعل «أمر» بازنویسی کنید.

- ۱- تَغْفِرُ الذَّنُوبَ * جميعاً.
- ۲- تَرْحَمُ * صَعْفَ بَدَنِي.
- ۳- تَجْعَلُ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً *.
- ۴- تَرْجِعِينِ إِلَى رَبِّكَ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

انجام دادن هریک از امور زیر را از صاحب تصویر بخواهید.



۳-

(بازکردن در)



۲-

(بالا بردن قلم)



۱-

(برداشتن کیف)



۶-

(شستن صورت)



۵-

(پوشیدن پیراهن)



۴-

(کاشتن درخت)

التَّمْرِينُ السَّادِسُ



آيات زیر را با دقت بخوانید و ترجمه کنید.

- ۱- ﴿أَدْخُلِ الْجَنَّةَ...﴾
- ۲- ﴿اُكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ﴾
- ۳- ﴿يَا مَرْيَمُ... اُسْجُدِي وَاِرْكَعِي...﴾
- ۴- ﴿اُسْكُرْ لِلّٰهِ...﴾
- ۵- ﴿رَبِّ اَشْرَحْ لِي صَدْرِي...﴾



الدَّرَاسَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

با کلمات زیر به طور مستقیم یا از طریق هم‌خانواده‌ی آن‌ها در متن درس آشنا شده‌اید. هر یک از آن‌ها را با توجه به معنای آیات در جای خالی قرار دهید.

مَفَاتِيحُ - شَرَابٌ - اجْعَلْ

(شعراء/ ۸۴)

۱- ﴿... وَ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾

و ذکر جمیل مرا در زبان آیندگان قرار ده.

(یونس/ ۴)

۲- ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ ... مِنْ حَمِيمٍ﴾

و کسانی که کفر ورزیده‌اند (به سزای کفرشان) نوشیدنی‌ای از آب جوشان خواهند داشت.

(أنعام/ ۵۹)

۳- ﴿وَ عِنْدَهُ ... الْغَيْبِ﴾

و کلیدهای غیب تنها نزد اوست.



به کلمه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، نگاه کنید. با توجه به

متن درس هم‌خانواده‌ی این کلمه‌ها را بیابید و داخل دایره بنویسید.

(طه / ۷۱)

۱- ﴿لَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ﴾

شما را بر تنه‌های درخت خرما به‌دار می‌آوریم.



(شعراء/ ۱۰۰ و ۱۰۱)

۲- ﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ﴾

پس برای ما نه شفاعت کننده‌ای است و نه دوست مهربانی



(بقره/ ۲۱۴)

۳- ﴿أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾

هان! مسلماً یاری خدا نزدیک است.



ترجمه‌ی تصویری

به تصاویری که در اختیار دارید، خوب دقت کنید. برای کدام یک از این عبارات‌ها می‌توانید تصویر مناسب انتخاب کنید؟

آیا برای بیان مفهوم جملات، می‌توانید از روش «تصویری» استفاده کنید؟

- إلهي أنا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ.
- أُصَلِّبُهُمْ فِي جُدُوعِ التَّحْلِ.
- إِرْجِعْ بِسُرْعَةٍ وَاذْهَبْ مِنْ هُنَا.
- أَنْتَ فِي حَظَرٍ!...

البستان المحروق

الدرس الخامس

هذا البستان كبير. الأشجار مُشجرة... الفواكه كثيرة...
التفاح... الرمان... الأعناب...
صاحب البستان شخص كريم يحب الفقراء.

في البستان

أعزائي!

اجمعوا الفواكه
احملوا لأُسرتكم

عزيراتي!

اجمعن الفواكه
احملن...

في يومٍ مِنَ الأَيَّامِ

مَرَضَ صَاحِبُ البُسْتَانِ ... فَطَلَبَ أبْنَاءَهُ وَ قَالَ :

يا أولادي! اِرْحَمُوا الضُّعْفَاءَ! اِعْمَلُوا لِلَّهِ!
اِفْتَحُوا بَابَ البُسْتَانِ لِلْبُؤْسَاءِ! فَإِنَّ الثَّرَوَةَ فَانِيَةٌ.



بعد وفاة الوالد

الثَّالِثُ: اَلْعَمَلُ بِوَصِيَّةِ
الوالِدِ وَاجِبٌ ...

الرَّابِعُ الأَوَّلُ: هَذَا البُسْتَانُ لَنَا!

الثَّانِي: نَعَمْ... هَذَا حَقُّنَا!...
وَلَا حَقَّ لِلْآخَرِينَ فِيهِ!



إِعْمَلًا بِالْوَصِيَّةِ! اُشْكُرِ اللَّهَ عَلَى هَذِهِ النِّعْمَةِ!
إِجْعَلًا حَقًّا لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ!

ولكن ... ما قَبِلَا ...!

و في بُيُوتِ البُؤْسَاءِ

– اِعْزَائِي! اِصْبِرُوا... اِصْبِرُوا...!

– نَحْنُ مَا أَكَلْنَا شَيْئًا
مُنْذُ مَدَّةٍ يَا أُمَّاهُ!

غَدًا نَذْهَبُ إِلَى البُسْتَانِ...

في البُسْتَانِ

أَلْوَلَدَانِ: اُخْرُجُوا... اُخْرُجُوا... اُتْرُكُوا أَرْضَنَا...
هَذَا البُسْتَانُ لَنَا...
اُخْرُجْنَا... اِذْهَبْنَا... اُتْرُكْنَا...

فَعَلِمَ اللَّهُ سَوْءَ نِيَّةِ الْوَالِدَيْنِ .

صَبَاحَ الْيَوْمِ التَّالِي

ذَهَبَ الْأَوْلَادُ نَحْوَ الْبُسْتَانِ ... أَخَذَتْهُمُ الْحَيْرَةُ ...

كَيْفَ يُمَكِّنُ؟!

لا ... لا ...





گزارش سه تحقیق

دانش‌آموزان با «کلیدهای طلایی فعل امر» آشنا شده بودند.
 معلم از آنان خواست فعل‌های امر داستان «الْبستان المحروق» را شناسایی و بررسی کنند.
 در این داستان :

- گاهی دستورهایی به دو نفر داده شده است (مثنی)
- گاهی دستورهایی به چند مرد یا پسر داده شده است (جمع مذکر)
- گاهی دستورهایی به چند زن یا دختر داده شده است (جمع مؤنث)

صیغه‌های فعل امر
 کدام است؟

بنابراین، دانش‌آموزان به سه گروه تقسیم شدند و افراد هر گروه موظف شدند یک دسته از فعل‌ها را بررسی کنند و نتیجه را در کلاس مطرح نمایند.

گزارش گروه اول چنین بود : فعل‌های امر برای مثنی (مذکر و مؤنث)

یکی از پسران صاحب باغ، مردی سخاوتمند بود و مثل پدرش فکر می‌کرد اما دو برادر دیگر، نه. آن دو برادر همه چیز را برای خودشان می‌خواستند؛ به همین علت، همیشه بین این دو برادر و برادر سوم اختلاف بود. روزی برادران درباره‌ی باغ بحث و گفت‌وگو می‌کردند. دو برادر خودخواه و مغرور هم‌صدا شده بودند که : این باغ مال ماست و نباید میوه‌های آن را به دیگران بدهیم. اما برادر سوم خطاب به دو برادرش گفت :

(اَعْمَلَا)

به وصیت پدرمان عمل کنید.

(اَشْكُرَا)

خدا را شکر کنید.

حذف «ن» از آخر
فعل مضارع، برای
ساختن فعل امر

و از ثروت خود سهمی برای نیازمندان قرار دهید. (إِجْعَلَا)

اما آن دو برادر گوششان بدهکار نبود و خداوند در مقابل این رفتار، آنان را

تنبیه کرد.



فعل‌های امر برای جمع مذکر ————— گروه دوم چنین گزارش داد :

«صاحب باغ مردی مهربان و سخاوتمند بود. او به طرف پسرانی که به باغ آمده بودند، رفت و با مهربانی به آنان گفت :

میوه‌ها را جمع کنید (إِجْمَعُوا)
و برای خانواده‌ی خود بپزید. (أَحْمِلُوا)

پسران صاحب باغ با این بخشش‌های پدرشان موافق نبودند ؛ در حالی که او همیشه آنان را نصیحت می‌کرد که فقیران را فراموش نکنند. بالاخره روزی که پدر در بستر مرگ افتاده بود، هر سه پسرش را صدا کرد و به آن‌ها

گفت :

فرزندانم،

بر ضعیفان رحم کنید، (إِرْحَمُوا)
برای خدا کار کنید، (إِعْمَلُوا)
و در باغ را به روی فقیران باز کنید. (إِفْتَحُوا)»



گروه دوم، فعل‌ها را خوب تشخیص داده بودند ولی وقتی گزارششان تمام شد و متن آن را به معلم دادند، در مقابل این سؤال ساده‌ی معلم غافلگیر

شدند :

□ افزودن «همزه‌ی امر» و حذف «نون» آخر فعل مضارع را می‌دانیم اما چرا به جای «ن»، یک «ا» (الف) قرار داده شده است؟

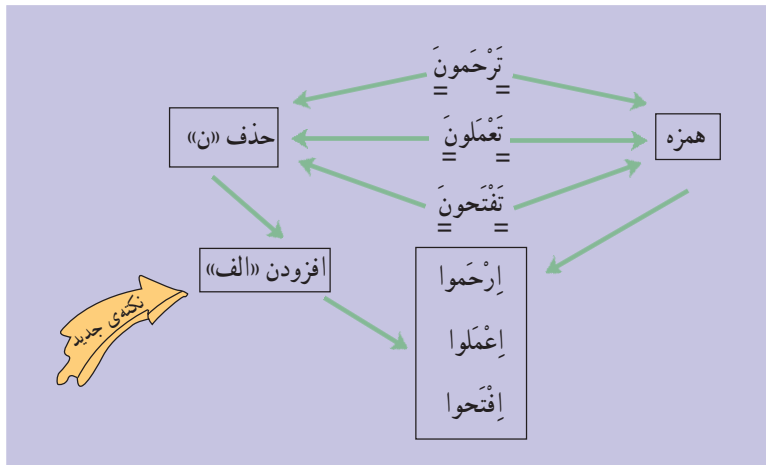
کسی پاسخ نداد. ناچار معلم، خود، ادامه داد :

این الف فقط به صیغه‌های جمع مذکر افزوده می‌شود و خوانده نمی‌شود.

سپس روی تخته نوشت :

چه تغییری در آخر
فعل‌ها صورت گرفته
است؟

تَرَحْمُونَ
↓ ↓
ا ا
إِرْحَمُوا



بچه‌ها همه چیز را فهمیده بودند. با وجود این، معلم از آن‌ها پرسید:

پرسش‌های کلیدی

- فعل امر برای جمع مذکر را از چه فعلی می‌سازیم؟
- به جای حرف مضارع، چه حرفی قرار می‌دهیم؟
- چه تغییری برای حرف آخر آن رخ می‌دهد؟

فعل‌های امر برای جمع مؤنث

— بالاخره، نوبت گزارش گروه سوم شد.

گزارش آن‌ها چنین بود:

«صاحب باغ پس از این که پسران را به جمع‌آوری میوه‌ها تشویق کرد، به طرف دختران نیز رفت و با مهربانی به آنان گفت:

(إِجْمَعْنَ)

شما هم میوه‌ها را جمع کنید

(إِحْمِلْنَ)

و برای خانواده‌ی خود ببرید.

ولی وقتی صاحب باغ از دنیا رفت، دو نفر از پسرانش به وصیت او توجهی نکردند. روزی که جمعی دختر بچه به باغ آمده بودند، با تعجب شنیدند که نباید به میوه‌های درختان دست بزنند. حتی یکی از پسران صاحب باغ به طرف دختران رفت و فریاد کشید:

(أُخْرَجْنَ)

بیرون بروید!

(أُتْرِكْنَ)

این جا را ترک کنید!

بچه‌ها با افسردگی و دل‌شکستگی از باغ خارج شدند.»

وقتی گزارش این گروه تمام شد، معلم پرسید:

آیا نکته‌ی جدیدی هست؟

«آیا در این گروه از فعل‌ها نکته‌ی جدیدی می‌بینید؟»
 ظاهراً چیز جدیدی نبود اما معلم اصرار داشت که چیزی هست. هر یک از بچه‌ها نظری دادند و گفتند:

- همه‌ی این فعل‌ها با همزه شروع شده‌اند.

- این فعل‌های امر، از صیغه‌های جمع مؤنث مخاطب مضارع ساخته شده‌اند.

إِجْمَعْنَ از تَجْمَعْنَ

إِحْمِلْنَ از تَحْمِلْنَ

- در فعل‌های قبلی دو تغییر داشتیم: یکی در اوّل و یکی در آخر.

ناگهان یکی از دانش‌آموزان با تعجب گفت:

«این‌ها که آخرشان تغییری نکرده است!»

آخرش را تغییر
 ندهید!

این‌جا بود که معلم گفت: نکته‌ی جدید همین است.

در امر، برای ساختن صیغه‌ی جمع مؤنث، آخر آن نه ساکن

شده و نه نون آن حذف می‌شود.



دانش‌آموزان به خوبی درس را فرا گرفته بودند. با این حال، معلم چند سؤال دیگر از آنان پرسید تا مطمئن شود که دانش‌آموزان همه‌چیز را یاد گرفته‌اند. او گفت:

پرسش‌های کلیدی

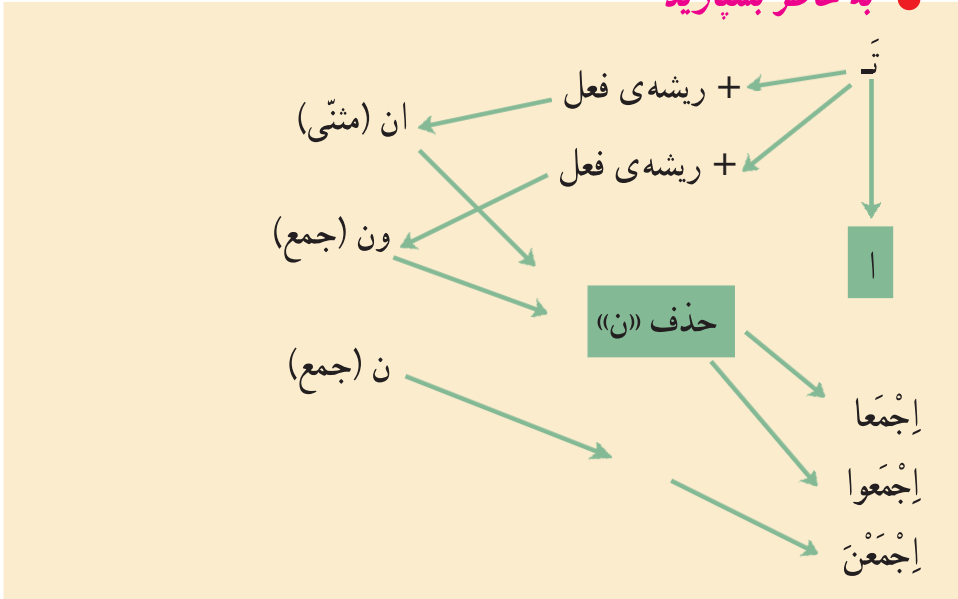
- فعل امر برای جمع مؤنث را از چه فعلی می‌سازیم؟

- معمولاً در ابتدای فعل‌های امر علامت مشترکی قرار می‌گیرد. آن علامت چیست؟

- کدام صیغه‌ی فعل امر است که حرف آخر آن هیچ تغییری نمی‌کند؟

- حرف آخر فعل‌های مضارع برای تبدیل به فعل امر، چند حالت پیدا می‌کند؟

به خاطر بسپارید



تَمَارِينُ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ



با توجه به متن درس، در مقابل پاسخ صحیح علامت × بگذارید.

کیف

۱- کیف خَرَجَ الأطفالُ مِنَ الحَدِيقَةِ بعدَ وَفَاةِ صاحبِ الحَدِيقَةِ؟

○ مَحْزُونِينَ ○ فَرِحِينَ ○

○ شَاكِرًا ○ بَخِيلًا ○

۲- کیف كان الابنُ الْأَوَّلُ؟

ماذا

۳- ماذا طَلَبَ صاحبُ البُسْتانِ؟ الرَّحْمَ على الضُّعفاءِ ○ جَمَعَ المَحْصولِ ○

۴- ماذا طَلَبَ الابنُ الثَّلَاثُ؟ مَنَعَ إعْطاءِ حقِّ المحرومينِ ○ إعْطاءِ

○ حقِّ المحرومينِ ○

التَّامِرِينَ الثَّانِي

از میان عبارت‌های داده شده، کدام جمله مطابق تصاویر زیر است؟ در زیر هر تصویر شماره‌ی جمله‌ی موردنظر را بنویسید.

۱- اِشْرَبُوا مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

۲- اِجْلِسُوا فِي ظِلِّ الشَّجَرَةِ.

۳- تَغْرِسُ الْأَشْجَارَ.

۴- اِغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ لِلْوُضوءِ.

۵- جَلَسْتُمْ تَحْتَ ظِلِّ الشَّجَرَةِ.

۶- اِشْرَبِينَ مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

۷- تَغْسِلُنَ السَّيَّارَةَ.

۸- اُحْصِدَا الزَّرْعَ.



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

در مسیر هر یک از گروه‌ها شماره‌ای هست که باید جمله‌ی مربوط به آن را با فعل امر مناسب (با استفاده از ریشه‌های داده شده) تکمیل کنید. آن‌ها را راهنمایی کنید تا هرچه سریع‌تر به مقصد برسند.



محمد، امیر و ایمان می‌خواهند به یک سفر علمی بروند.



ندا، هدا و زهرا می‌خواهند به کتابخانه بروند.



- | | |
|--------------------------------------------|------------------------------------------|
| ۱- ... حاجاتِ السَّفَرِ (جَمَعَ -) | ۱- أُخْرِجَنَّ مِنَ الْبَيْتِ (خَرَجَ -) |
| ۲- ... الْمَلَابِسَ (لَبَسَ -) | ۲- ... إِلَى الْعَلَامَةِ (نَظَرَ -) |
| ۳- ... مِنَ الْبَيْتِ (خَرَجَ -) | ۳- ... الشَّارِعَ. (عَبَرَ -) |
| ۴- ... الشَّارِعَ (عَبَرَ -) | ۴- ... إِلَى الْيَمِينِ* (ذَهَبَ -) |
| ۵- ... إِلَى دَاخِلِ الشَّارِعِ (ذَهَبَ -) | ۵- ... الْحَانُوتَ (دَخَلَ -) |
| ۶- ... السِّيَّارَةَ (رَكَبَ -) | ۶- ... صَاحِبَ الْحَانُوتِ (سَأَلَ -) |
| | ۷- الْمَكْتَبَةُ هُنَا. |

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ



افعال عبارات زیر را (از نظر صیغه) تصحیح کنید.

- ۱- أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، أَنْصُرُوا الْمَظْلُومَ فِي كُلِّ مَكَانٍ!
- ۲- أَيُّهَا الْمُؤْمِنَاتُ، ائْتِرُكُوا تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ!
- ۳- أَيُّهَا الطَّالِبَاتَانِ، اطْلُبِي الْعِزَّةَ * وَالْمَجْدَ! *
- ۴- أَيُّهَا الْكَرِيمُ، افْتَحِي أَبْوَابَ الْكَرَمِ عَلَى الْمُحْتَاجِينَ!

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ



مراسم جشنی با حضور دانش آموزان و اولیای آنان برگزار شده و پایان یافته بود و سروصدای حاضران هنوز بلند بود. صدای ناظم مدرسه از پشت بلندگو به گوش می‌رسید که می‌گفت:

- آقا حسین، لطفاً این قرآن را در دفتر بگذار. ()
 - علی آقا، لطفاً آن درها را باز کن. ()
 - آقا مهدی و آقا بهروز، لطفاً بنشینید. ()
 - حاضران گرامی، لطفاً مجلس را ترک کنید. ()
 - خانم حسینی و خانم عبدی، لطفاً نام خود را در برگه بنویسید. ()
 - آقایان، لطفاً در راهروی مدرسه آثار دستی فرزندانان را نگاه کنید. ()
 - خانم‌های محترم، شما هم لطفاً آثار دستی فرزندانان را نگاه کنید. ()
- فعل‌های امری را که در این جمله‌ها وجود دارد، با توجه به مخاطبان

آن، به عربی ترجمه کنید.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ

آیات قرآنی زیر را با دقت بخوانید و ترجمه کنید.

- ۱- ﴿اصْبِرُوا، إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾
- ۲- ﴿ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ﴾
- ۳- ﴿اشْكُرُوا لِلَّهِ﴾
- ۴- ﴿إِذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ...﴾^۱

ترجمه‌ی تصویری

با انتخاب تصاویر مناسب، برای این جملات معنا و مفهوم جدیدی ایجاد می‌کنید.

- اِرْحَمُوا الضُّعْفَاءَ.
- الثَّرْوَةَ فَانِيَةً.
- هَذَا حَقُّنَا.
- اُتْرُكُوا... اُتْرُكُوا اَرْضَنَا!

آیا تاکنون برای تهیه‌ی دفتر ترجمه‌ی تصویری دست‌به‌کار شده‌اید؟

۱- خطاب به موسی (ع) و برادرش هارون است که نزد فرعون بروند و او را هدایت کنند.



الدراسات القرآنيّة

با استفاده از کلماتی که تاکنون با آنها آشنا شده‌اید، جاهای خالی را پر کنید.

۱- ﴿و فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (ذاریات/ ۱۹)

و در اموالشان برای ... و ... حقی است.

۲- ﴿لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (مؤمنون/ ۱۹)

برای شما در آنها (باغ‌های بهشت) است و از آنها

۳- ﴿إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِالْآخِرِينَ﴾ (نساء/ ۱۳۳)

ای مردم اگر او (خدا) بخواهد همه شما را می‌برد و ... را می‌آورد.



جاهای خالی را با توجه به آنچه خوانده‌اید، ترجمه کنید.

۱- ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/ ۱۹۴)

و ... که خداوند با تقوایشگان است.

۲- ﴿فَادْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ﴾ (شعراء/ ۱۵)

پس با آیات و نشانه‌های ما ... همانا ما با شما شنونده‌ایم. (با شما می‌ایم)

۳- ﴿ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً﴾ (فجر/ ۲۸)

[ای نفس مطمئنه] ... به نزد پروردگارت در حالی که تو، هم راضی‌ای و هم مورد رضایت.



لا تيأس!

الدرس السادس

يَسْكُنُ هذا الصيادُ قُرْبَ الْبَحْرِ. و في الأيامِ الأخيرةِ ما حَصَلَ على شيءٍ!

غداً سَأَذْهَبُ لِلصَّيْدِ.

لا ... لا تَذْهَبْ، الْبَحْرُ في هذه الأيامِ هَائِجٌ.
الْبَحْرُ خَطِرٌ!

رَجَاءٌ ... لا تَذْهَبْ ... لا تَذْهَبْ
هناك خَطِرٌ!

نعم! لا تَحْزَنْ، ... إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا.
نَحْنُ نَصْبِرُ ... الرَّزْقُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.

لا ... لا شيءٍ عِنْدَنَا! نَحْنُ جَائِعُونَ!
تَوَكَّلْنَا عَلَى اللَّهِ ... سَأَذْهَبُ!



الصَّيَادُ عَزَمَ عَلَى الدَّهَابِ.

يا زَوْجَتِي، نَعَمْ...! هَذَا عَمَلٌ خَطِرٌ . ولكن ... لا تَبْأَسِي...
لا تَحْزَنِي ... لا تَقْلَقِي،... إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا!



يا إيمانُ و يا أميرُ،
لا تَتْرُكَا الأَعْمَالَ و لا تَقْلَقَا!
أنا سَوْفَ أَرْجِعُ ... إن شاءَ اللهُ ...



يا مريمُ، يا هُدَى، لا تَقْلَقَا!
إِعْمَلَا الأَعْمَالَ اليَوْمِيَّةَ
و لا تَشْعُرَا بِالضَّعْفِ!



في البَحْرِ

ماذا أفعلُ؟! لا شيء في البَحْرِ! أين الأَسْمَاكُ؟!



كَأَنَّ الشَّبَكَةَ قَدْ ثَقُلَتْ ... نَعَمْ ... نَعَمْ ...

فَجَاءَتْ!...

ما هذه؟!

هل هذه سَمَكَةٌ؟! ...

أَمْ ... حَوْتُ ...؟! ...

نَعَمْ ... الْحَمْدُ لِلَّهِ



أيُّهَا الرَّجُلُ، لا تَتْرُكِ الحَبْلَ!

لا تَشْعُرْ بِالضَّعْفِ!

عَزَمَ عَلَى الرَّجُوعِ

ظَهَرَتْ سَحَابَةٌ سَوْدَاءُ فِي السَّمَاءِ وَ عَصَفَتِ الرِّيحُ بِشِدَّةٍ ...

بَعْدَ لَحْظَةٍ

هَجَمَ حَوْتُ!

إِلَهِي، مَاذَا أَفْعَلُ؟!
يَا إِلَهَهُ ... لَا مَعْبُودَ
سِوَاكَ
إِرْحَمِ عَبْدَكَ الضَّعِيفَ ...

وَمِنْ سَقَطَ ...

في القرية

يَسُّ أهلُ القريةِ مِنْ رُجوعِ الصَّيَادِ ...

في اليومِ التَّالِيِ

رأى النَّاسُ زَوْراً فَاً مِنْ بَعِيدٍ ... ذَهَبُوا إِلَى السَّاحِلِ ...



الصَّيَادُ مَجْرُوحٌ وَ سَمَكَةٌ عَظِيمَةٌ فِي شَبَكَتِهِ .

فَحَمَلُوا الصَّيَادَ إِلَى الْقَرْيَةِ .



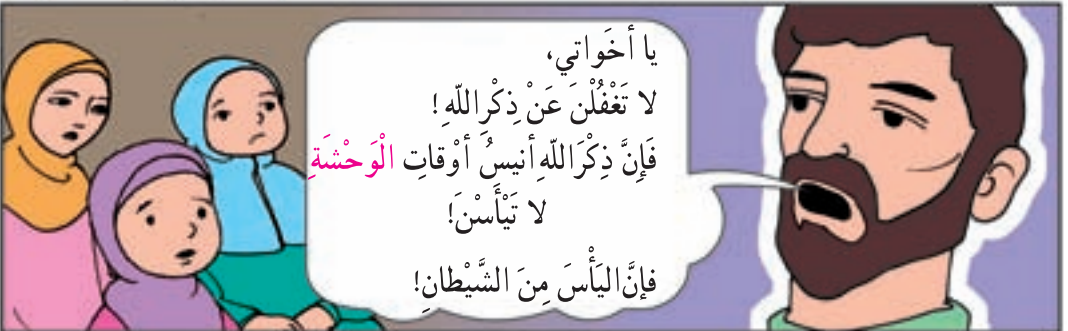
جاء أهلُ القريةِ لزيارةِ الصَّيَادِ . فقال الصَّيَادُ :

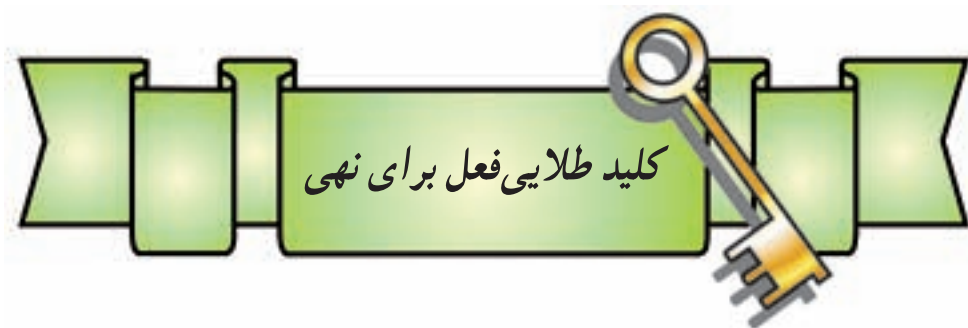
و بَعْدَ يَوْمٍ

كانت هذه رحلةً عجيبةً . فيها تجاربٌ كثيرةٌ !

يا إخوتي، لا تيأسوا في الحياة!
لا تشعروا بالضعف عند مواجهة المشاكل!
لا تفنطوا من رحمة الله!

يا أخواتي،
لا تغفلن عن ذكر الله!
فإن ذكر الله أنيس أوقات الوحشة
لا تيأسن!
فإن اليأس من الشيطان!





کارگاه کلمه‌سازی

در حیاط مدرسه غوغایی برپا بود. عده‌ای مشغول آوردن کاردستی‌های بزرگی بودند که قبلاً ساخته بودند، عده‌ای هم از آن طرف، چیزهایی را می‌بردند. خلاصه هرکس به کاری مشغول بود. زنگ تفریح بود و تعدادی از معلمان مدرسه به جای استراحت، مشغول تماشای بچه‌هایی بودند که به قول خودشان «کارگاه کلمه‌سازی» به راه انداخته بودند. من هم ترجیح دادم به جمع آنان بپیوندم تا ببینم در این گوشه‌ی حیاط چه خبر است؟

ظاهراً در کلاس عربی تصمیم گرفته شده بود که تعدادی از دانش‌آموزان هنرمند، حروف الفبا را به صورت برجسته درست کنند و با چسباندن آن‌ها در کنار هم کلمه‌سازی کنند.



درست در مقابل ما تابلوی بزرگی قرار داشت که با حروف، روی آن کلماتی را چسبانده بودند. وقتی دقت کردم، دیدم که این کلمات، صیغه‌های فعل مضارع است ولی ظاهراً کار آن‌ها هنوز ناتمام بود و بچه‌ها مرتب در رفت و آمد بودند.

در این میان، فعالیت دو گروه، بیش از همه جلب توجه می‌کرد:

از فعل مضارع شروع کنیم.



□ گروهی یک حرف «لا» و علامت «جزم» (ـَ) را که در اندازه‌ی بزرگ ساخته بودند، به طرف تابلو می‌آوردند.

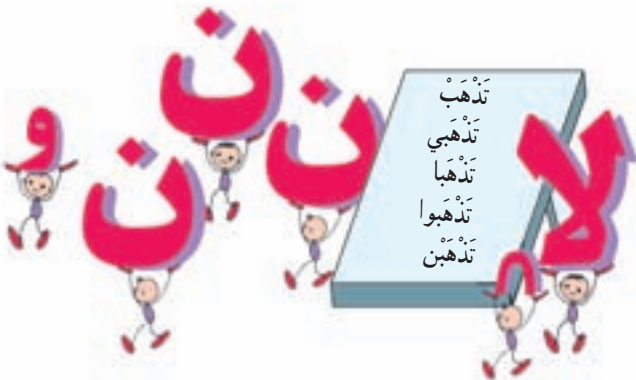
□ گروه دیگری از بچه‌ها حرف «ن» و حرکت «ضمه» (ُ) را برداشته بودند و می‌بردند.

چگونه کسی را نهی کنیم؟
چگونه کسی را از کاری بازداریم؟

پرسیدم: «ماجرا چیست؟ این‌ها چیست که می‌آورید؟» یکی از بچه‌ها گفت: «قبلاً فعل‌های مضارع را ساخته بودیم و حالا که می‌خواهیم «فعل برای نهی» بسازیم، به این‌ها نیاز داریم.» پرسیدم: «چرا این‌ها را می‌برید؟» پاسخ داد:

«برای (نهی کردن) فعلاً نیازی به این‌ها نداریم.»

برای «نهی کردن»،
به چه نیازمندیم و
از چه بی‌نیازیم؟



حذف ضمه (ُ) و
حرف «ن» از آخر
فعل مضارع

۱- علامت جزم یا سکون را به این شکل نیز می‌توان نشان داد: «۰»

«لا»، علامت اصلی نهی

مشغول همین حرف‌ها بودیم که دیدیم «لا» را قبل از فعل‌های مضارع قرار دادند و همزمان، علامت‌های «ضمّه» و «ن» را برداشته‌اند. در این هنگام، یکی از بچه‌ها علامت «جزم» (ه) را در جای ضمّه قرار داد ولی در جای خالی «ن» چیزی قرار نداد!

علامت جزم به جای ضمّه ی فعل تذهبُ

با دیدن تلاش و همت دانش‌آموزان، من هم به شوق آمدم و خواستم دانسته‌های قبلی خود را مرور کنم. از خودم پرسیدم:

■ «نهی» چیست؟

■ برای «نهی کردن»، از چه فعلی استفاده می‌شود؟

■ علامت «نهی» چیست؟

■ چه تغییراتی در فعل مضارع داده می‌شود تا نهی ساخته شود؟

کار کلمه‌سازی بچه‌ها تمام شده بود و من می‌دانستم که: «تَذَهَّبُ» شد «لا تَذَهَّبُ».

سؤالات کلیدی



«لا»، هم برای «نهی» است و هم برای «نفی».

اما آیا فعل مضارع پس از «لا» ی نهی و نفی، یکسان می‌آید؟

و «ن» از آخر این فعل‌ها حذف شده است:

«تَذَهَّبِينَ» شد: لا تَذَهَّبِي.

«تَذَهَّبَانِ» شد: لا تَذَهَّبَا.

«تَذَهَّبُونَ» شد: لا تَذَهَّبُوا.

اما توانستم از طرح این دو سؤال خودداری کنم که:

■ چرا «ن» در «لا تَذَهَّبِينَ» حذف نشده است؟

■ چرا در «تَذَهَّبُونَ»، پس از تبدیل به نهی، یک «ا» به جای «ن» قرار گرفته است؟

گفتند:

● نونی که حذف نمی‌شود.

● الفی که به جای «ن» می‌آید.

● «نونی» که برای جمع مؤنث است، هیچگاه حذف نمی‌شود.

● در جمع مذکر، پس از حذف «ن»، حرف «ا» می‌گذاریم که البته خوانده نمی‌شود.

به خاطر بسپارید

لا + فعل مضارع

با تغییر ضمّه به سکون ← نهی
(علامت جزم) و حذف
«ن» از آخر فعل
(جز جمع مؤنث)

تَمَارِينُ

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ



با توجه به متن درس، در مقابل پاسخ صحیح علامت × بگذارید.

هَلْ

۱- هل طَلَبَ الْأَوْلَادُ مِنْ وَالِدِهِمُ الذَّهَابَ لِلصَّيْدِ؟
 لا نعم

أ

۲- أَحْصَلَ الصَّيَّادُ عَلَى الصَّيْدِ؟
 لا نعم

مَتَى

۳- متى عَصَفَتِ الرِّيحُ؟ قَبْلَ ظُهُورِ سَحَابَةِ سَوْدَاءٍ بَعْدَ صَيْدِ الْحَوْتِ

مَا

۴- ما هي نَتِيجَةُ الْقِصَّةِ؟ كَانَ الصَّيَّادُ خَائِفًا. أَلْيَأْسُ فِي الْحَيَاةِ سُمٌّ*

التمرين الثاني



عبارات مناسب و کار صحیح در مورد هر تصویر را با علامت × مشخص کنید.



- ۱- انْهَضُوا!
- ۲- لا تَنْهَضُوا!
- ۳- انْهَضْنَ!



- ۱- لا تَعْبُرِ الشَّارِعَ!
- ۲- أُعْبِرِ الشَّارِعَ!
- ۳- لا تَعْبُرْنَ الشَّارِعَ!



- ۱- لا تَفْتَحُوا الْبَابَ!
- ۲- لا تَفْتَحِ الْبَابَ!
- ۳- افْتَحُوا الْبَابَ!



- ۱- لا تَلْعَبْنَ بِالْكِتَابِ!
- ۲- الْعَبَا بِالْكِتَابِ!
- ۳- لا تَلْعَبَا بِالْكِتَابِ!



- ۱- لا تَشْرَبِ الْمَاءَ.
- ۲- لا تَشْرَبِي الْمَاءَ.
- ۳- اشْرَبِ الْمَاءَ.



- ۱- لا تَحْبِسِي الطَّائِرَ!
- ۲- احْبِسِ الطَّائِرَ!
- ۳- لا تَحْبِسِ الطَّائِرَ!

التمرين الثالث



افعال جمله‌های زیر را به صورت نهی بنویسید.

۱- تَعْمَلُونَ الْبَاطِلَ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ.*

۲- لا تَذْكُرَانِ إِلَّا اللَّهَ.

۳- اِغْضَبُوا عَلَى الْأَصْدِقَاءِ.


۴- تَشْرَبِينَ الْمَاءَ كَثِيرًا.

الْتَّمِرِينَ الرَّابِعُ



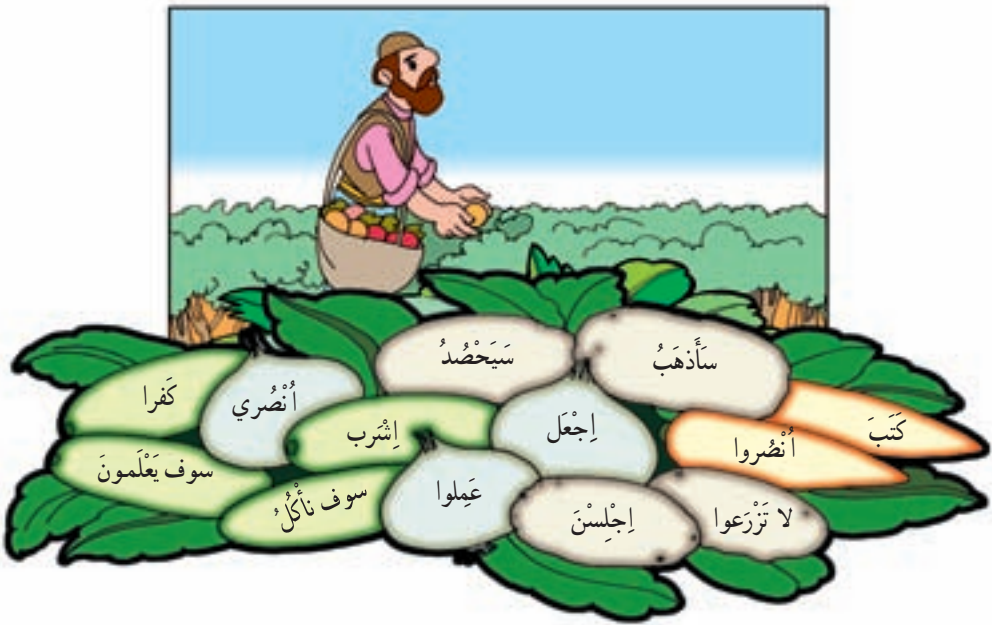
فعل‌های غلط (از جهت معنا یا صیغه) ستون اول را تصحیح کنید،

سپس عبارت صحیح را در ستون دوم بنویسید.

صَحِيحٌ... 	لا... لا... 
...نَعَمْ... ۱- ۲- ۳- ۴- ۵-	...خَطَأٌ... ۱- أَيُّهَا الطِّفْلَةُ! هُنَا بَيْتٌ. اقْرُبِ! ۲- أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! لَا تَرْحَمُوا الضُّعْفَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّاحِمِينَ! ۳- لَا تَصَدُقْ فَإِنَّ الصَّادِقِينَ فِي الْجَنَّةِ! ۴- أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَزْرَعُوا الْحَسَنَاتِ فِي الدُّنْيَا وَأُحْضِدُوا الْجَنَّةَ فِي الْآخِرَةِ! ۵- أَيُّهَا الطَّالِبُ! الشَّمْسُ عَلَى وَشَاكَ الطُّلُوعِ، لَا تَنْهَظِي لِلصَّلَاةِ!

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ

این کشاورز می‌خواهد محصولات خود را به سه بخش تقسیم کند. او را راهنمایی کنید تا هر یک از محصولات را با توجه به نشانه‌های آن، در سبد مخصوص قرار دهد.



قابل استفاده در زمان حال و آینده



غیر قابل استفاده برای زمان حال و آینده



قابل استفاده فقط برای آینده

التَّمْرِينُ السَّادِسُ



آیات زیر را با دقت بخوانید و ترجمه کنید.

۱- ﴿وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ﴾

۲- ﴿لَا تَحْزَنُ، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾

۳- ﴿لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾

۴- ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ﴾

۵- ﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾



ترجمه‌ی تصویری

گاهی می‌توان مفهوم یک جمله را به جای ترجمه‌ی کلمات آن، با یک تصویر بیان کرد.

با جمله‌ها هم می‌توان شوخی کرد؛ همان‌طور که می‌توان با تصاویر، سر به سر گذاشت!

- رجاء...!
- لا تَدَّهَبُ... لا تَدَّهَبُ. هناك خطر!
- لا تَحْزَنُ... إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا!
- الْبَحْرُ هَائِجٌ.
- لا تَشْعُرُ بِالضَّعْفِ!



الدَّرَاسَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

شما با کلمات زیر در متن درس آشنا شده‌اید. هر یک از آن‌ها را با توجه به معنای آیات در جای خالی قرار دهید.

الْحَوْتُ - إِنْ شَاءَ اللَّهُ - صَيْدٌ

- ۱- ﴿أَحِلٌّ لَكُمْ... الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ﴾ (مائده/ ۹۶)
شکار دریایی و خوردن آن بر شما حلال شده است.
- ۲- ﴿فَأِنِّي نَسِيتُ...﴾ (کهف/ ۶۳)
پس همانا من ماهی را فراموش کردم.
- ۳- ﴿سَتَجِدُنِي... صَابِرًا﴾ (کهف/ ۶۹)
اگر خدا بخواهد مرا صابر خواهی یافت.



به کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است، نگاه کنید. با توجه به متن درس هم خانواده‌ی این کلمه‌ها را بیابید و داخل دایره بنویسید.

۱- ﴿...أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه/ ۲۶)

خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد.

(أعراف / ۱۹)



﴿ وَايَادُهُمْ مَبْسُوتَاتٌ سَاهِيًا وَالْوُجُوهُ مُعْرِضَةٌ وَظِلٌّ مُّسْتَوٍّاتٌ وَآسَٰنٌ مُّسَوَّمَةٌ مُّسَوَّمَةٌ وَآسَٰنٌ مُّسَوَّمَةٌ مُّسَوَّمَةٌ ﴾

و ای آدم اُسْكُنْ اُنْت و زوْجُكَ الْجَنَّةَ

و ای آدم! تو با همسر خویش در بهشت سکونت کن.

(نحل / ۵۸)



﴿ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا ﴾

و هرگاه یکی از آنان (مردم جاهلی) را به دختر مژده آورند،
چهره‌اش سیاه می‌شود.

(فاطر / ۲۷)



﴿ ... وَغَرَابِيبُ سُودٍ ﴾

... و سیاه پررنگ!

(إسراء / ۸۳)



﴿ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرْكَانَ يَٰيُوسُفٰٓءَ ﴾

و چون گزندى به او [انسان] رسید، نومید شد.

(يوسف / ۸۰)



﴿ فَلَمَّا اسْتَيْسَٰرَٰ سَوَآءٌ مِّنْهُ ... ﴾

پس چون از او نومید شدند ...

أَشْوَدهُ

الْقُرْآنُ

كُلُّ مَا فِيكَ جَدِيدٌ
وَهُوَ حَقٌّ وَمُفِيدٌ
بِكَ نَالَ الْمُؤْمِنُونَ
وَبَنَوْا فِي الدَّهْرِ مَجْدًا
كُنْتَ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ
جِئْتَ مِنْ رَبِّ السَّمَاءِ
وَكَمَا كُنْتَ سَتَبَقَى

أَنْتَ يَا خَيْرَ كِتَابٍ^١
وَهُوَ عَدْلٌ وَصَوَابٌ^٢
فَوْقَ مَا هُمْ يَطْلُبُونَ^٣
مِثْلَهُ لِأَنَّ يَكُونُ^٤
جِئْتَ لِلنَّاسِ جَدِيدًا^٥
رَحْمَةً دُونَ أَنْتِهَاءِ^٦
دَائِمًا كُلَّ الرَّجَاءِ!^٧

١- ما : آن چه ؛ كل ما فيك : هر آن چه در تو است!

٢- وَهُوَ : وَهُوَ

٣- بِكَ : به وسیله ی تو ؛ نَالَ : رسیدند

٤- بَنَوْا : ساختند، بنا کردند ؛ مِثْلَهُ ... : به مانند آن مجد و بزرگی ... ؛ لِأَنَّ يَكُونُ : نیست و نخواهد بود!

٥- كُنْتَ ... جِئْتَ : آمده بودی

٦- رَحْمَةً ... : در حالی که لطف و رحمت بی پایان خداوندی هستی!

٧- كُلَّ الرَّجَاءِ : همان طور که تمامی امید ما بودی، هم چنان خواهی ماند!



أه... بُنَيْتِي!

الدَّرْسُ السَّابِعُ

هذا الرَّجُلُ حَذَاءٌ.
هو يَعْمَلُ كَثِيراً.

في الْبَيْتِ



الزَّوْجُ: أَنَا أَعْلَمُ ... ولكن ... الْحَيَاةُ
صَعْبَةٌ ... أَنَا مُضْطَّرٌّ ...

الزَّوْجَةُ: أَنْتَ تَعْمَلُ كَثِيراً ... الطَّبِيبُ
مَنَعَ الْعَمَلَ ... ! الْمَرَضُ
خِطْرٌ ... !





فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ

بَعْدَ تَنَاوُلِ الْعِشَاءِ، الْجَمِيعُ ذَهَبُوا لِلنَّوْمِ.

أَمَّا مَرِيْمُ ...

فَنَهَضَتْ بَعْدَ قَلِيلٍ وَذَهَبَتْ إِلَى غُرْفَةِ الْعَمَلِ وَعَمِلَتْ
حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ!





صَبَاحَ الْيَوْمِ التَّالِي

— ...! عَجِيبٌ ... عَجِيبٌ ...!
مَنْ صَنَعَ هَذِهِ الْأَحْذِيَةَ؟!

الرَّجُلُ فِي حَيْرَةٍ!



و بَعْدَ سَاعَةٍ ...

مَرِيْمٌ سَعَرَتْ بِالتَّعَاسِ!



فِي لَيْلَةٍ

بَعْدَ أَيَّامٍ وَ شُهُورٍ

مَرِيْمٌ كَانَتْ تَعْبَةً،
و لَكِنْ ... ذَهَبَتْ إِلَى عُرْفَةِ
الْعَمَلِ.



فَنَظَرَ إِلَى الْعُرْفَةِ ...

أَخَذَ عَصَاهُ وَ ذَهَبَ بِسُرْعَةٍ!
فَتَحَّ الْبَابَ بِهَدْوٍ ...
فَنَظَرَ بِدَقَّةٍ ...
هَذِهِ مَرِيْمٌ؟! ...
آه ... بُنَيْتِي ...!!



و فِي الصَّبَاحِ الْبَاكِرِ

الْوَالِدُ نَهَضَ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ ...

هَنَّاكَ ضَوْءٌ ...!! مَن فِي الْعُرْفَةِ؟!
الْسَّارِقُ ...! حَتْمًا ...!



کاردستی‌های جدید

پس از اجرای کاردستی‌های دانش‌آموزان که در آغاز سال تحصیلی ارائه داده بودند، تعداد دیگری از آنان همواره نسبت به ادامه‌ی این فعالیت‌های ابتکاری اصرار داشتند و پافشاری می‌کردند. این بود که وقتی درس به موضوع «مبتدا و خبر» رسید، معلم به دانش‌آموزان اعلام کرد که می‌توانند درباره‌ی این موضوع هم کاردستی بسازند.

او درباره‌ی مبتدا و خبر گفت:

● بعضی جمله‌ها با یک «اسم» شروع می‌شوند و سپس با اشاره به

آیه‌ی: ﴿اللَّهُ عَلِيمٌ﴾

پرسید:

■ این آیه با چه نوع کلمه‌ای شروع شده است؟

■ درباره‌ی «اللَّهُ» چه خبر یا توضیحی داده شده است؟

بچه‌ها به سؤالات پاسخ دادند. آن‌گاه معلم گفت:

● اسمی که اول جمله می‌آید، نیازمند «خبر»ی است که معنای جمله را تکمیل کند.

● به اسمی که ابتدای جمله می‌آید، «مبتدا» می‌گوییم.

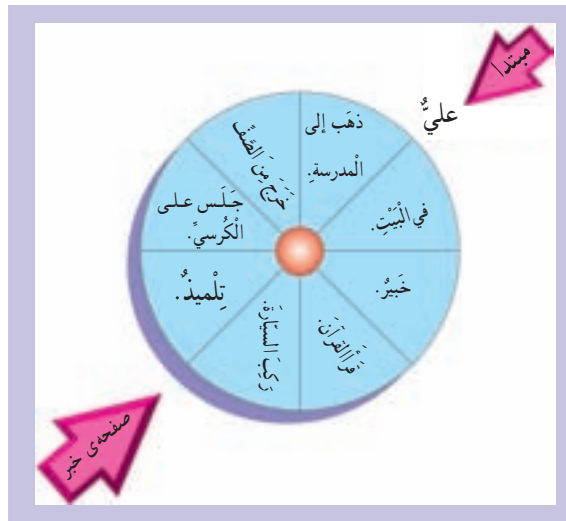
● به آن قسمت از جمله که معنای مبتدا را تکمیل می‌کند، «خبر» می‌گوییم.

این بار، اغلب دانش‌آموزان کاردستی‌هایی ساختند که برای معرفی آن‌ها ناچار شدند نمایشگاهی برگزار

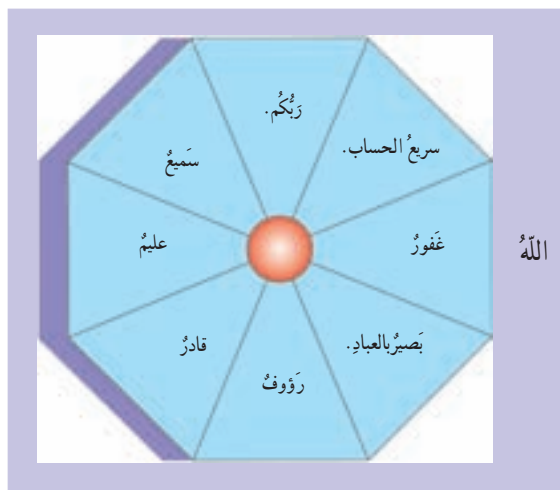
کنند. از میان همه‌ی آثار دستی دانش‌آموزان چند تا به عنوان برگزیده انتخاب شد و در کلاس مورد بررسی قرار گرفت.

هر جمله‌ی اسمیه دارای مبتدا و خبر است.

یکی از کاردستی‌ها، یک چرخ گردان بود که روی صفحه‌ای مقوایی نصب شده بود. روی صفحه‌ی مقوایی یک اسم به عنوان «مبتدا» نوشته شده بود و با هر حرکت چرخ، یکی از خبرها که روی آن بود، مقابل مبتدا قرار می‌گرفت و یک جمله‌ی کامل اسمیه ساخته می‌شد.



مشابه این کاردستی، کاری بود که بر اساس آیات قرآنی ساخته شده بود :



معلم در حالی که این دو اثر را تحسین می‌کرد، گفت: «همان طور که در این کاردستی‌ها می‌بینید،



کلمه‌ای که «ال» داشته باشد، تنوین نمی‌گیرد.

- مبتدا همیشه دارای علامت رفع (ضمّه یا تنوین با ضمه) است.
- خبرهایی هم که «اسم» اند، همین علامت را دارند؛ مانند: **علیٌّ عابِلٌ** .

فاطمةٌ طبيبةٌ.



چرا خبر این جمله دارای علامت رفع نیست؟ «علیٌّ ذَهَبَ إلى المدرسةِ»

✓ مبتدا اگر «ال» نداشته باشد، معمولاً تنوین می‌گیرد.
 ✓ پس چرا «فاطمة» در جمله‌ی «فاطمةٌ طبيبةٌ» تنوین ندارد؟

نام اشخاص اگر مؤنث باشد، تنوین نمی‌گیرد.



کاردستی برگزیده‌ی بعدی، ساختمان بلندی بود که روی آسانسور آن چند اسم به عنوان «مبتدا» نوشته شده بود و با حرکت آسانسور، هر یک از مبتداها در طبقات مختلف ساختمان به خبرهای گوناگونی برخورد می‌کردند. در نتیجه، جملات جدیدی ساخته می‌شد.

سؤالات کلیدی!

معلم با نشان دادن این کاردستی پرسید:

علامت مبتدا و خبر چیست؟

- هر یک از جمله‌ها با چه چیزی شروع شده‌اند؟
- آیا اسم اول برای تکمیل معنای خود به چیزی نیاز دارد؟
- حرکت آخر این دو اسم باید چه باشد؟
- با حرکت آسانسور، چند جمله می‌سازید؟





شرح مبتدا

خبر \Leftarrow جمله‌ی اسمیه

اسم یا فعل یا
حرف و اسم



در «ابتدای» جمله

+ مبتدا

اسم

تَمَارِينُ



با توجه به متن درس، در مقابل پاسخ صحیح علامت × بگذارید.

ماذا

- ۱- ماذا عَمَلَتْ مَرِيْمٌ؟
تَرَكَتِ الْمَدْرَسَةَ ○ ذَهَبَتْ لِمُسَاعَدَةِ وَالِدِهَا ○ شَعَرَتْ بِالضَّعْفِ ○

كيف

- ۲- كيف وَجَدَ الْوَالِدُ بِنْتَهُ؟
فِي النَّوْمِ ○ مَشْغُولَةً بِالْعَمَلِ ○ جَالِسَةً عَلَى الْأَحْدِيَةِ ○

متى

- ۳- متى فَهِمَ الْوَالِدُ سِرَّ الْأَحْدِيَةِ؟
فِي لَيْلَةٍ ○ فِي مُنْتَصَفِ اللَّيْلِ ○ فِي يَوْمٍ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ ○

التَّامِرِينَ الثَّانِي



برای هر تصویر، یک جمله‌ی اسمیه‌ی مناسب بنویسید.



۲-



۱-



۴-



۳-



۶-



۵-

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ



در جاهای خالی کلمه‌ای بگذارید (خبر) که به همراه اسم اول (مبتدا) یک جمله‌ی معنادار درست شود (جمله‌ی اسمیه).

مبتدا	خبر
الْمَعْلَمُ	...
الْوَالِدُ	...
الْبَحْرُ	...
الْبَيْتُ	...
اللَّهُ	...

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ



از کلمات پراکنده‌ی زیر، جمله‌ی اسمیه‌ی مناسب بسازید.

۱-

النَّظَافَةُ

مِنِ

الْإِيمَانَ

۲-

بِالدَّرْسِ

المُعَلِّمَةُ

بَدَأَتْ

۳-

اللَّهُ

السَّمَاوَاتِ

خَلَقَ

۴-

الرَّحْمَانُ

يَرْزُقُ

الْعِبَادَ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ



در عبارت‌های زیر حرکت (إعراب) مبتدا و خبر را قرار دهید.

- ۱- الصَّدَقُ * نَجَاةٌ.
- ۲- السِّرُّ أَمَانَةٌ.
- ۳- الغَضَبُ مِفْتَاحٌ لِكُلِّ شَرٍّ.
- ۴- الثَّرْوَةُ فَانِيَةٌ.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ



آیات زیر را با دقت بخوانید و ترجمه کنید.

- ۱- ﴿وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ*﴾
- ۲- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾
- ۳- ﴿وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ﴾
- ۴- ﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ﴾



الدَّرَاسَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

شما با کلمات زیر در متن درس آشنا شده‌اید. هر یک از آن‌ها را با توجه به معنای آیات در جای خالی مناسب قرار دهید.

المُضْطَرَّ - مَطَّلَعٍ - الشُّهُورِ

۱- ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ ... إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ﴾ (نمل / ۶۲)

یا (چه کسی است) آن کس که درمانده را - زمانی که وی را بخواند - اجابت کرده و گرفتاری او را برطرف می‌کند؟

۲- ﴿إِنَّ عِدَّةَ ... عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾ (توبه / ۳۶)

در حقیقت تعداد ماه‌ها نزد خدا، دوازده ماه است.

۳- ﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّى ... الْفَجْرِ﴾ (قدر / ۵)

[آن شب قدر] تا طلوع فجر، صلح و سلام است.



در آیات زیر «مبتدا» و «خبر» را مشخص کنید و در جای خود بنویسید.

مبتداً خبر

۱- ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ (إخلاص / ۲)

خداوند «صمد» است (یعنی همگی به او نیاز دارند)

مبتداً خبر
 (مطّفقین / ۱)

۲- ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾

وای بر کم فروشان!

مبتداً خبر
 (منافقون / ۱)

۳- ﴿وَاللّٰهُ يَشْهَدُ...﴾

و خداوند گواهی می دهد ...

مبتداً خبر
 (أحقاف / ۲)

۴- ﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ﴾

فرو فرستادن این کتاب از سوی خداوند ... است.

ترجمه‌ی تصویری

کاریکاتورها، دست شما را برای مناسب‌ترین جمله باز می‌گذارند.

دانش‌آموزان خوش ذوق و هنرمند، با تلفیق این عبارات‌ها، با مناسب‌ترین تصاویر، مفاهیم جالبی خلق می‌کنند.

- نَظَرَ بِدِقَّةٍ ...
- هُنَاكَ ضَوْءٌ!
- أَنْتَ تَعْمَلُ كَثِيرًا!
- مَنْ فِي الْعُرْفَةِ؟!



الرَّخَاءُ وَالشَّدَّةُ

الدَّرْسُ الثَّامِنُ



يا ملائكة!
لماذا تَمْدَحُونَ أَيُّوبَ؟!
يَعْبُدُ أَيُّوبُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ لِأَنَّهُ صَاحِبُ
مَالٍ وَنِعَمٍ!

لا ... لا ... يَشْكُرُ الصَّالِحُونَ
رَبَّهُمْ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ.

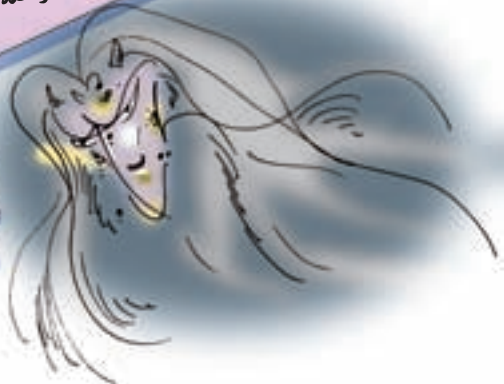
مَرِضَ أَيُّوبُ ...

تَلَفَ مَالَهُ ...

تَلَفَ أَوْلَادَهُ ...

سَرَقَ اللُّصُوصُ أَمْوَالَهُ.

حَانَتْ الْفُرْصَةُ الدَّهَبِيَّةُ لِإِبْلِيسَ ...



جاء إبليسُ ...

يا أيوب!
إلى متى تَصْبِرُ عَلَى هذا البلاء؟!
فَقَدْتَ أَمْوَالَكَ وِأَوْلَادَكَ وِ سَلَامَتَكَ
وِ مَعَ هذا تَشْكُرُ اللهَ وِ تَحْمَدُهُ!

— أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ!

لا فائدة...! هو كالجبلِ ...
أَذْهَبُ إِلَى زَوْجَتِهِ ...

إلى متى تَصْبِرِينَ؟!
مَوْتُهُ قَرِيبٌ!!

لا... لا... لا... تَصْبِرُ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ
عَلَى قَضَاءِ اللهِ.

عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ صَعِبَ مَرَضِهِ ...

فَتَرَكَهُ الْجَمِيعُ!

كيف أحصلُ على الطَّعامِ والدَّواءِ؟!

ماذا أفعلُ؟!

بَحَثُ أَيُّوبُ ...

لاشيءَ ...

فقال: ﴿أَتِي مَسْنِي الضُّرِّ وَ
أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾

و أخيراً ...

بعد سَنَوَاتٍ ...

جاءَ الْفَرَحُ ...

لَقَدْ نَجَحَ أَيُّوبُ فِي الْإِمْتِحَانِ.
نعم ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾
ذَهَبَ الْمَرَضُ وَ رَجَعَتِ الصِّحَّةُ وَالسَّلَامَةُ
إِلَى أَيُّوبَ.

﴿نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾





مسابقه‌ی کلمه بازی

برای شرکت در مسابقه‌ی «کلمه بازی»، تعدادی از دانش‌آموزان داوطلب شده بودند. در این مسابقه، اولین نفر یا اولین گروه کلمه‌ای را مطرح می‌کرد و نفر بعد یا گروه بعد، باید کلمه‌ای را بیان می‌کرد که اولین حرف آن، آخرین حرف کلمه‌ی قبلی باشد.

تنور مسابقه گرم شده بود و کلمات، پشت سر هم بر زبان جاری می‌شدند:

کَتَبَ ← بصیر ← رَبِّ ← بحر ← رَجَعَ ← علیم و ...

و

و

پس از حذف شدن تعدادی از دانش‌آموزان در مراحل اولیه، تنها حسام و سعید بودند که به مرحله‌ی نهایی رسیدند. قرار بود به برنده‌ی این مسابقه نشان زیبایی اهدا شود که روی آن علامت «رَفَع» نقش بسته بود.

آخرین کلمه‌ای که حسام مطرح کرد «سَمِيع» بود ولی سعید نتوانست کلمه‌ای بگوید که با «عين» شروع شود؛ بدین ترتیب، حسام به‌عنوان برنده‌ی مسابقه، نشان «رَفَع» را در میان ابراز احساسات دانش‌آموزان دریافت کرد.

اما معلم در یک اقدام غیرمنتظره به سعید هم یک نشان «رَفَع» داد و چون با تعجب دانش‌آموزان مواجه شد، گفت:

«آری، نه تنها سعید هم این نشان را دریافت می‌کند، باید بگویم تمام کسانی که در این مسابقه شرکت کردند نیز باید به دریافت «نشان» نایل شوند؛ زیرا: هر کس کاری انجام می‌دهد، باید نشان «رَفَع» بگیرد.»

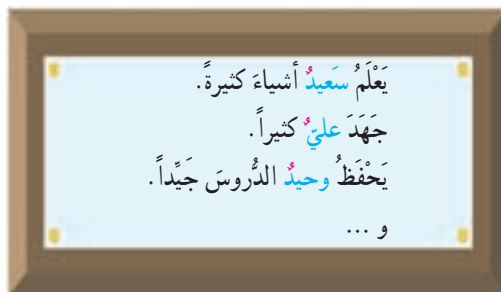
فَاعِلِ یک کار،
انجام‌دهنده‌ی آن
است.

ساعتی بعد روی تابلوی اعلانات مدرسه چنین نوشته شد :
نَجَحَ حَسَامٌ فِي الْمُسَابَقَةِ.

بچه‌ها دیدند همان «نشان رفع» روی نام «حسام» قرار گرفته است.

این، برای بچه‌ها جالب بود که نام «سعید» نیز به‌عنوان یک «انجام‌دهنده» (فاعل) در این مسابقه دارای همان نشان است. جالب‌تر این‌که اسامی سایر کسانی که در مسابقه شرکت کرده بودند، در جملاتی تشویق‌آمیز ذکر شده بود و نام همه‌ی آنان دارای همان نشان بود :

فاعل هر جمله
 دارای «نشان رفع»
 (و...) است.



آقای معلم که در همان هفته تصمیم داشت موضوع «جمله‌ی فعلیه» را تدریس کند، همین تابلو را بهانه‌ی درس قرار داد و گفت :

«جمله‌هایی که با (فعل) شروع می‌شوند، (جمله‌ی فعلیه) نام دارند.»
 سپس از دانش‌آموزان خواست افعال آن جملات را مشخص کنند.

بچه‌ها پاسخ دادند :

«يَعْلَمُ در جمله‌ی (يعلم سعيد أشياء كثيرة)،

نَجَحَ در جمله‌ی (نَجَحَ حَسَامٌ فِي الْمُسَابَقَةِ)،

يَحْفَظُ در جمله‌ی (يَحْفَظُ وَحِيدٌ الدُّرُوسَ جَيِّدًا)

و...»

معلم گفت : «هر فعلی، دارای فاعل است.»

بچه‌ها فاعل‌های آن جملات را بیان کردند : «حسام، سعید، علی و...»

معلم که از برگزارِی مسابقه راضی بود، با خرسندی گفت :

«نَجَحَ التَّلَامِيذُ كُلُّهُمْ!

حَفَظَ سَعِيدٌ وَعَلِيٌّ أَشْيَاءَ كَثِيرَةً.

و...»

یکی از دانش‌آموزان که موضوع درس را به‌خوبی فهمیده بود، به نظرش آمد که اشکال یا ابهامی در جملات معلم وجود دارد. او یک‌بار دیگر دانسته‌های خود را در ذهنش مرور کرد و آن‌ها را با جملات صفحه‌ی بعد مقایسه کرد.

جمله‌ی فعلیه
 کدام است؟

فعل و فاعل، دو
 جزء اصلی «جمله‌ی
 فعلیه» اند.

آیا فعل و فاعل،
 همیشه از نظر مفرد،
 مثنی و جمع بودن،
 مانند هم‌اند؟

- فعل می تواند در ابتدای جمله قرار گیرد؛ مثال: نَجَحَ وَ يَحْفَظُ.
- فاعل جمله دارای علامت رفع است؛ مثال: «التلاميذ» و «السعيد و علي».
- اگر فاعل مثنی یا جمع باشد، فعل هم قاعداً باید مثنی یا جمع باشد. اما ...



چرا در این جملات، با وجود این که فاعل ها مثنی و جمع اند، فعل به صورت مفرد آمده است؟

(التلاميذ، جمع است و علی و سعید هم دو نفرند)

این بود که سؤالش را مطرح کرد. دقت نظر او برای معلم جالب بود ولی

معلم اصرار داشت که جمله ها درست اند. او توضیح داد:

وقتی فاعل، پس از فعل آمده باشد، فعل همیشه با صیغه مفرد می آید.

آن گاه معلم گفت به این جمله ها دقت کنید و به سؤالات من جواب دهید:

● نَهَضَ حَمِيدٌ لِلصَّلَاةِ.

● أَمَرَتْ فَاطِمَةُ بِالْمَعْرُوفِ.

● مَنَعَ الْعُلَمَاءُ عَنِ الْمُنْكَرِ.

معلم به دانش آموزان تکلیف داد که درباره ی سؤالات زیر فکر کنند و پاسخ

آن را در جلسه ی بعد مطرح کنند:

■ آیا این جملات، «فعلیه» اند؟

■ فاعل ها در این جملات کدام اند؟

■ چرا «حمید» دارای علامت «رفع» است؟

■ چرا «أمرت» به صورت مؤنث آمده است؟

■ چرا «فاطمة» که «ال» ندارد، علامت «رفع» آن با تنوین نیامده است؟

■ چرا فعل مربوط به فاعل «العلماء» - که جمع است - به صورت مفرد آمده است؟

■ چرا «العلماء» تنوین نگرفته است؟

فعلی که قبل از فاعل خود آمده باشد، مفرد است.

درباره ی فعل ها و فاعل های این جملات فکر کنید.

سؤالات کلیدی

به خاطر بسپارید

علامت رفع

فعل + فاعل + ... ← جمله ی فعلیه

تَمَارِينُ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

مَتَى

با توجه به متن درس، در مقابل پاسخ صحیح علامت × بگذارید.

۱- متى حانت الفرصة الذهبية لإيليس؟

○ عند فقدان النعم ○ حينما شكر أيوب ربه ○ قرب موت أيوب ○

۲- إلى متى صبر أيوب؟

○ حتى النهاية ○ حتى زمن فقدان أولاده ○ حتى زمن مرضه ○

لِمَاذَا

۳- لماذا قال الله ﴿نِعَمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾؟

○ لأنه نجح في الامتحان ○ لأنه ما صبر على المصائب ○

○ لأنه مرض ○

٤- لماذا وَقَعَ أَيُّوبُ فِي الْمُصِيبَةِ؟

لِلْإِمْتِحَانِ ○ لِأَنَّهُ صَاحِبُ ثَرْوَةٍ ○ لِأَنَّ الشَّيْطَانَ مَدَحَ أَيُّوبَ ○

التَّمْرِينُ الثَّانِي



در هر تصویر، کدام یک از کلمات مورد اشاره، نقش فاعل (انجام دهنده‌ی کار) را دارد؟ با علامت × آن را مشخص کنید.



- الأَرْضُ
- الشَّجَرَةُ
- الفَلَّاحُ



- الطِّفْلَةُ
- البابُ
- العُرْفَةُ



- القَلَمُ
- الرَّجُلُ
- الوَرَقَةُ



- المَرْأَةُ
- الوَجْهُ
- المَاءُ



- الفَاكِهَةُ
- البِنْتُ
- اليَدُ



- المِنْضَدَةُ
- الكِتَابُ
- الطَّالِبُ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ

از میان کلمات زیر، کدام یک می‌تواند در جمله نقش «فاعل» را داشته باشد؛ آن‌ها را در سبد مخصوص قرار دهید.

طالبه	الْحَقُّ	الْكِتَابِ	فاطمة	في
نَصَرَ	قَرَأَ	جاء	الرَّجُلُ	إلى
		الْجَنَّةِ		الْوَجْهَ
		صَادِقٌ		غَسَلَ



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

در هر یک از عبارات‌های زیر، فاعل را بیابید و اِعراب آن را مشخص کنید.

۱- ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ﴾

۲- ﴿قَدْ جَاءَ أَمْرٌ رَبِّكَ﴾

۳- يَعْمَلُ الْكَرِيمُ بِوَعْدِهِ.

۴- يَدْفَعُ الْأَغْنِيَاءُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ.

التَّامِرِينَ الْخَامِسُ



این دو نفر هر کدام عبارت‌های خود را ترجمه کرده‌اند. شما ترجمه‌ی صحیح را انتخاب کنید و علت غلط بودن ترجمه‌ی دیگر را بنویسید.



۱- لَا يَحْزَنُ الصَّبُورُ مِنْ كَثْرَةِ الْمَصَائِبِ *

انسان صبور از زیادی مصیبت‌ها اندوهگین مباش ای انسان صبور
اندوهگین نمی‌شود. از کثرت مصیبت‌ها!



۲- ذَهَبَ الْخَوْفُ وَ دَخَلَ الْإِيمَانُ فِي الْقُلُوبِ .

ترس رفت و ایمان را در دل جای داد. خوف و ترس رفت و ایمان در دل‌ها وارد شد.



۳- لَا تَتَّعَبُ الْأُمُّ مِنْ تَرْبِيَةِ طِفْلِهَا .

مادر را در تربیت فرزندش خسته نمی‌بینی. مادر از تربیت فرزندش خسته نمی‌شود.



۴- رَجَعَ الْإِنْتِصَارُ إِلَى الْمُسْلِمِينَ.

پیروزی را به سوی مسلمانان برمی گرداند. پیروزی به سوی مسلمانان بازگشت.



الْتَّمَرِينَ السَّادِسُ



آیات زیر را با دقت بخوانید و ترجمه کنید.

۱- ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾

۲- ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ﴾

۳- ﴿صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾



الدَّرَاسَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

شما با کلمات زیر در متن درس آشنا شده‌اید. هر یک از آن‌ها را با توجه به معنای آیات در جای خالی مناسب قرار دهید.

الطعام - بيت - مَرَضٌ

۱- ﴿وَأِنْ أَوْهَنْ أَلْبُوتِ لَ... الْعُنْكَبُوتِ﴾ (عنكبوت/ ۴۱)

و در حقیقت سست‌ترین خانه‌ها همان خانه‌ی عنكبوت است.

۲- ﴿أَفِي قُلُوبِهِمْ...؟﴾ (نور/ ۵۰)

آیا در دل‌هایشان بیماری است؟

۳- ﴿وَيُطْعَمُونَ... عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا﴾ (إنسان/ ۸)

و به [خاطر] دوستی او (خدا) بینوا، یتیم و اسیر را غذا دهند.



به کلمه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده است، نگاه کنید. با توجه به

متن درس هم خانواده‌ی این کلمه‌ها را بیابید و داخل دایره بنویسید.

۱- ﴿مَاذَا تَفْقِدُونَ؟﴾ (یوسف/ ۷۱)

چه چیزی گم کرده‌اید؟

۲- ﴿وَ تَفْقَدَ الطَّيْرَ﴾ (نمل/ ۲۰)

و جویای پرندگان شد.

(توبه/ ۷۲)



(حدید/ ۱۰)



(توبه/ ۳۴)



(آل عمران/ ۹۱)



۲- ﴿ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

آن همان موفقیت بزرگ است.

﴿وَأُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً...﴾

آنان از جهت رتبه، برتر و بالاترند.

۳- ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...﴾

و کسانی که زر و سیم انباشته می کنند ...

﴿فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا﴾

هرگز از هیچ یک از آنان پذیرفته نمی شود، اگرچه زمین را پُر از طلا کنند.

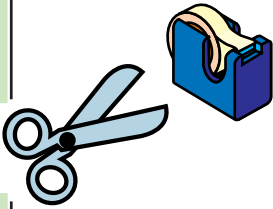


ترجمه‌ی تصویری

آیا درباره‌ی ایجاد نمایشگاه تصاویر انتقادی، اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و... بازنویس‌های عربی فکر کرده‌اید؟

- بَحَثَ ... لاشيءَ ...
- إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.
- هُوَ كَالْجِبَلِ ...
- مَوْتُهُ قَرِيبٌ!

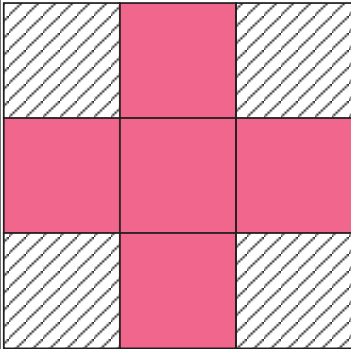
«ترجمه‌ی تصویری» تا چه اندازه توانایی شمارا در فهم عبارت‌ها تقویت می کند؟



إِصْنَعْ وَاعْمَلْ

کلمه‌ها را جور کنید

● با مقوا، دو علامت «به علاوه» (مطابق اشکال زیر) که دقیقاً شبیه و اندازه‌ی هم باشند، درست کنید؛



به این صورت:

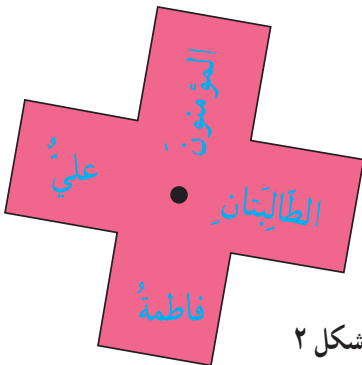
✓ یک مربع بکشید.

✓ هر ضلع آن را به سه قسمت مساوی تقسیم کرده

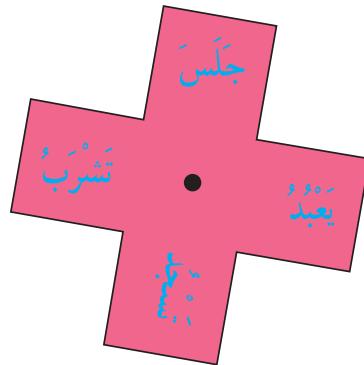
و آن‌ها را با خطوط موازی به هم وصل کنید.

✓ مربع‌های گوشه (هاشورزده) را ببرید.

* «به علاوه»ی مورد نظر آماده است.



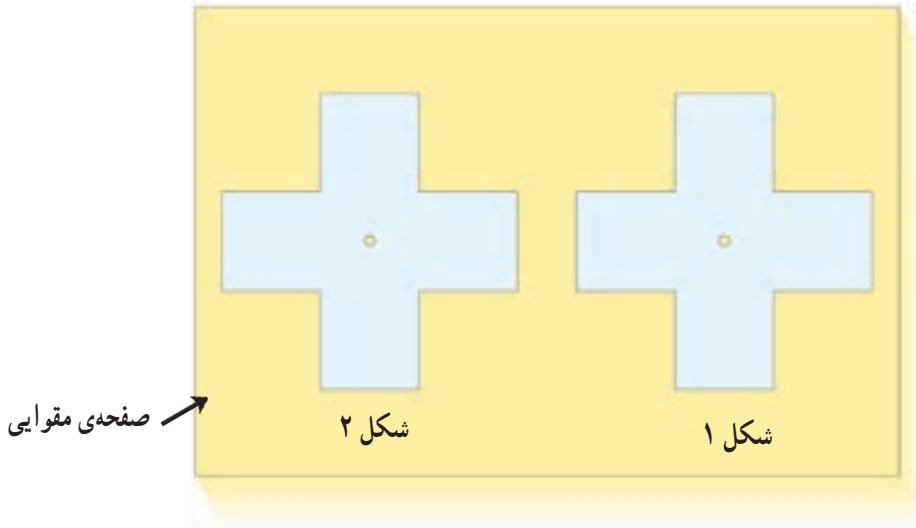
شکل ۲



شکل ۱

● روی هر یک از چهار پرِ شکل‌های ۱ و ۲، کلماتی را که در شکل می‌بینید، عیناً رونویسی کنید.

- دقیقاً نقطه‌ی وسط هر یک از شکل‌ها را به اندازه‌ی تکمه قابلمه‌ای سوراخ کنید.
- هر دو شکل را روی یک صفحه‌ی مقوایی بچسبانید (مطابق تصویر زیر).
- شکل‌ها را بچرخانید تا با ترکیب یک فعل و یک فاعل، یک «جمله‌ی فعلیه» ساخته شود. دقت کنید و ببینید که چند جمله‌ی صحیح تشکیل می‌شود.



- شکل ۱ را در سمت راست و شکل ۲ را در سمت چپ قرار دهید.
- شکل‌ها را طوری کنار هم قرار دهید که دو پَرِ آن‌ها کاملاً روبه‌روی هم قرار گیرند.



خَرَجَ ناصِرٌ مِنَ البَيْتِ.

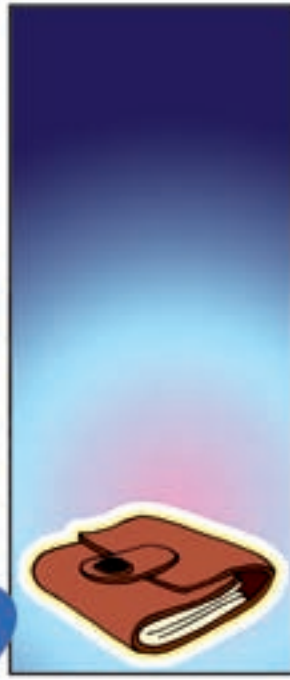
الشَّارِعُ مُرَدِّحٌ....
النَّاسُ مشغولونَ بِشِراءِ المَلايِسِ والفواكِهه و....
العِيدُ قَريبٌ!

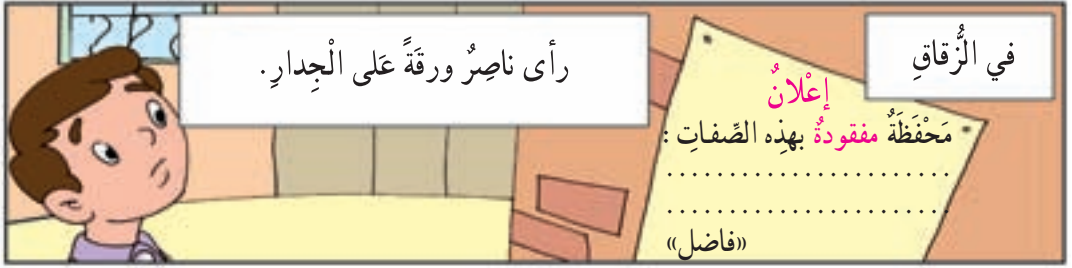


لكن... نحن...؟

أه...!
ماذا البَسُّ؟!
أصدِقائِي يلبَسونَ لِبَاساً جَديداً.

بَعدَ وِفاةِ أبي
أُمِّي مَسؤُولَةٌ عَن تَأمِينِ مَعايشِ العائِلَةِ.
هي مشغولَةٌ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى اللَّيْلِ بِالحِياكَةِ.
فكيفَ نَطلُبُ مِنها لِبَاساً جَديداً؟!







حَسَنًا... وَأَمَّا
جَائِزَتُكَ... فَأَنَا
أَدْفَعُ لَكَ الْآنَ أَجْرَةَ
شَهْرٍ.



– نعم... ولكن... أنا تَلْمِذٌ...
– لا بأس!... أَحْضُرْ فِي الْحَانُوتِ بَعْدَ
الْمَدْرَسَةِ!

فَرِحَ نَاصِرٌ بَشَدَّةٍ وَ ذَهَبَ إِلَى السُّوقِ...
ثُمَّ رَجَعَ إِلَى الْبَيْتِ مَعَ الْمَلَابِسِ وَالْأَطْعَمَةِ...



و شَرَحَ لَهُمُ الْقِصَّةَ...
فَرِحُوا كُلُّهُمْ...
«فَسَكَرُوا رَبَّهُمْ!»



مسابقه‌ی سرعت

وقتی زنگ خورد، بچه‌ها به کلاس آمدند. آن‌ها منتظر بودند که شاهد «مسابقه‌ی سرعت» باشند. پیش از این، معلم وعده داده بود که آن روز یک مسابقه‌ی هیجان‌انگیز برگزار کند. معلم وارد کلاس شد. او تعداد زیادی علامت نصب، رفع و جر (فتحه، ضمه و کسره) با خود آورده بود که می‌شد آن‌ها را روی تخته‌ی کلاس چسباند.

آیا می‌دانید علامت
فتحه، ضمه و کسره
نصب رفع جر
کدام است؟



- او بدون هیچ مقدمه‌ای گفت: «برای هر دور از مسابقه، به سه نفر شرکت‌کننده نیاز داریم.» سه نفر از بچه‌ها داوطلب شرکت در مسابقه شدند. سپس معلم، آن‌ها را به این ترتیب تقسیم کرد:
- مسئول فاعل‌ها، که علامت‌های **رفع** را تحویل گرفت.
 - مسئول مفعول‌ها، که علامت‌های **نصب** را تحویل گرفت.
 - مسئول مجرورها، که علامت‌های **جرّ** را تحویل گرفت.

معلم گفت :

«چند جمله روی تخته می نویسم . مسئولیت هر یک از شما این است که ابتدا کلمه‌ی مربوط به خود را در هر یک از این جملات پیدا کنید . سپس برای آن یک علامت بگذارید . برنده‌ی مسابقه کسی است که سرعت عمل بیش‌تری داشته باشد .

هم‌چنان که **فاعل** دارای علامت **رفع** بوده و **مرفوع** است، **مفعول** دارای علامت **نصب** بوده و **منصوب** است . هم‌چنین، کلمه‌ی پس از برخی **حروف**، دارای علامت **جر** بوده و **مجرور** است .

آیا می‌دانید :

علامت‌های زیر، مخصوص چه کلماتی است؟
مرفوع
منصوب

- ذَهَبَ عَلِيٌّ إِلَى الْمَدْرَسَةِ .
- شَرِبَ سَعِيدٌ الْمَاءَ .
- خَرَجَتْ فَاطِمَةُ مِنَ الْمَسْجِدِ .
- يَذْهَبُ الْوَالِدُ إِلَى السُّوقِ .
- تَكْتُبُ حَمِيدَةُ دَرَسَهَا .
- يَقْرَأُ حَسَامٌ الْقُرْآنَ .
- يَفْتَحُ حَسِينٌ الْبَابَ .
- سَمِعْتُ فَاطِمَةَ الْحَقَّ .
- جَعَلَ سَعِيدٌ الْكِتَابَ فِي الْمَحْفَظَةِ .

مسابقه با اشاره‌ی معلم شروع شد . شرکت‌کنندگان در مسابقه با هیجان زیاد مشغول بررسی جملات شدند تا کلمات خود را پیدا کنند . زودتر از همه، کسی که علامت‌های رفع را در دست داشت، مشغول کار شد . او پیش از این می‌دانست که **فاعل** دارای علامت **رفع** است . پس به سرعت شروع کرد به گذاشتن علامت رفع روی کلمه‌ی علی، سعید، فاطمه و گروهی از بچه‌ها که او را تشویق می‌کردند، هیاهوی زیادی در کلاس به راه انداخته بودند . آنان دسته‌جمعی شعار می‌دادند :

قَالَ يَقُولُ قَائِلٌ ضَمَّهُ لِرَافِعٍ
قَالَ يَقُولُ قَائِلٌ رَفَعَهُ لِرَافِعٍ

شاگرد دیگری که علامت‌های نصب را در دست داشت، ضمن صحبت‌های اولیه‌ی معلم متوجه شده بود که :
مفعول ها باید **منصوب** باشند .

علامت مفعول چیست؟

مفعول چیست؟

او سرعت عمل زیادی نداشت؛ زیرا باید به ذهن خود فشار می‌آورد تا به خاطر بیاورد درباره‌ی «مفعول» چه می‌داند؟ بالاخره به یادش آمد که مفعول کلمه‌ای است که کار بر آن واقع می‌شود.

به این ترتیب، توانست «الماء» و کلمات درس را به درستی تشخیص دهد و علامت نصب را روی آن‌ها بگذارد ولی ناخودآگاه به جمله‌هایی خیره شد که هیچ مفعولی در آن‌ها نبود و نمی‌دانست چه باید کرد.

در این هنگام، طرفداران او هم مثل گروه رقیب شعاری ساختند و فریاد سر

دادند:

سِينُ و سَلَامٌ و مَسْئُولٌ
سین و سلام و مَسْئُولٌ
فتحه برای مفعول
نَصْبٌ برای مفعول

او که کاملاً به هیجان آمده بود، توانست کلمات «کتاب، باب، الحق و القرآن» را نیز به درستی تشخیص دهد. با وجود این، وقتی آخرین علامت نصب را روی آخرین مفعول گذاشت، مدت زیادی از زمان پایان کار فاعل‌ها گذشته بود؛ این در حالی بود که تعداد فاعل‌ها بیش‌تر بود؛ زیرا تمام جملات دارای فاعل بودند. در تمام این مدت، کسی که علامت‌های جرّ را در دست داشت، حتی یک علامت هم نگذاشته بود؛ بنابراین، برنده و بازنده‌ی مسابقه معلوم بود اما نفر بازنده اعتراض داشت که: «این مسابقه عادلانه نبود! من نمی‌دانستم علامت جرّ در چه جایی به کار می‌رود!»

معلم، حق را به او داد و گفت:

«او راست می‌گوید. باید پیش از این می‌گفتم که:

هر کلمه‌ای که پس از برخی حروف از جمله، **فی** (در)، **إلی** (به)، **به** (سوی)،

عَلَى (بر، روی)، **بِ**، **مِن** (از) بیاید، مجرور می‌شود.»

آن دانش‌آموز با لحنی گلایه‌آمیز گفت: «این که از همه راحت‌تر است! اگر

این را می‌دانستم، حتماً برنده می‌شدم.» معلم گفت: «این گوی و این میدان. باز هم

مسابقه را اجرا می‌کنیم.» پس جملات دیگری روی تخته نوشته شد و بار دیگر غوغای شعارها و تشویق‌ها، فضای کلاس را پر کرد.

این مسابقه چندین دور اجرا شد و هر بار، یک نفر برنده شد. حالا دیگر

تمامی دانش‌آموزان می‌توانستند به این سؤالات درباره‌ی اجزاء جمله‌ی فعلیه پاسخ

دهند:

آیا همه‌ی جمله‌ها دارای مفعول‌اند؟

هر جمله‌ی فعلیه دارای فاعل است.

چه کلماتی مجرور می‌شوند؟

حروفی که کلمه‌ی بعد از خود را مجرور می‌کنند، کدام‌اند؟

اجزاء جمله‌ی فعلیه کدام است؟

- دو جزء ثابت جمله‌ی فعلیه کدام‌اند؟
- آیا هر جمله‌ی فعلیه حتماً دارای مفعول است؟
- مفعول چیست؟
- آیا در هر جمله حتماً حروف جرّ (جارّ = جرّ دهنده) وجود دارد؟

به خاطر بسپارید

فعل + فاعل (مرفوع) ← جمله‌ی فعلیه

جمله‌گاهی دارای اجزاء دیگری است :

مفعول (منصوب) + مجرور بعد از حرف جرّ

تَمَارِينُ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ



با توجه به متن، در مقابل پاسخ صحیح علامت × بگذارید.

مَنْ

۱- مَنْ هِيَ الْمَسْئُولَةُ فِي بَيْتِ «نَاصِرٍ» لِتَأْمِينِ الْمَعَاشِ؟

- أَلْوَالِدَةُ نَاصِرٌ أَلْوَالِدُ

أَيْنَ

۲- أَيْنَ وَجَدَ نَاصِرُ الْمَحْفَظَةَ؟

- فِي الشَّارِعِ فِي الرُّفَاقِ فِي الْبَيْتِ

مَتَى

۳- مَتَى يَحْضُرُ نَاصِرٌ فِي حَانُوتِ «الْحَاجِ فَاضِلٍ» لِلْعَمَلِ؟

- صَبَاحاً مَسَاءً لَيْلاً

٤ - هل تَرَكَ ناصِرُ المَدْرَسَةَ؟

- لا ○ نَعَمْ

التَّمْرِينُ الثَّانِي



کدام یک از سه کلمه‌ی زیر هر تصویر، نقش مفعول را دارد. آن را با علامت × مشخص کنید.



- المرأة
○ الوجه
○ الماء



- الرَّجُلُ
○ الرِّسَالَةَ
○ القلم



- الطعام
○ الطفلة
○ اليد



- اليد
○ المحفظة
○ الطالبة



- الطالِبُ
○ الكتاب
○ العَيْنُ



- الباب
○ الطفل
○ اليد

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

در عبارت‌های زیر، مفعول را بیابید و پس از قرار دادن اعراب، آن را در ستون دوم بنویسید.

عبارت	«مفعول» با علامت «اعراب»
۱- وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ
۲- ... أَنْ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ
۳- يَزْرَعُ الْعَاقِلُ الْخَيْرَ فَيَحْصُدُ الْحَسَنَةَ.
۴- الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ.
۵- أَنْصُرَ الْمَظْلُومَ فِي كُلِّ مَكَانٍ.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ

از میان «حروف جرّ» داده شده، حرف مناسب را انتخاب کنید و در جای خالی بنویسید.

- ۱- ﴿ وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ... الْحَقِّ ﴾ إلى، في، بِ
- ۲- ﴿ إِنِّي ذَاهِبٌ ... رَبِّي ﴾ من، في، إلى
- ۳- ﴿ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ ... الْمُصْلِحَ ﴾ إلى، من، في
- ۴- ﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ ... جَنَاتٍ ﴾ بِ، في، مِنْ
- ۵- ﴿ إِنَّ اللَّهَ ... كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ إلى، من، على

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ



حرکت آخر (اعراب) کلماتی را که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، تعیین کنید. سپس هر یک را در جای مخصوص خود در جدول بنویسید.

۱- لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً ﴿﴾

۲- يَحْفَظُ الْعَاقِلُ لِسَانَهُ وَيَتْرُكُ الْجَاهِلُ زِمَامَ * كَلَامِهِ.

۳- وَجَدَ الْإِنْسَانَ السَّعَادَةَ فِي الْأَخْلَاقِ لَا فِي الثَّرْوَةِ وَالْمَالِ.

مجرور به حرف جر	مفعول	فاعل
... ۱-	... ۱-	... ۱-
... ۲-	... ۲-	... ۲-
	... ۳-	
	... ۴-	

التَّمْرِينُ السَّادِسُ



آیات زیر را با دقت بخوانید و ترجمه کنید.

۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

۲- ﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ﴾

۳- ﴿الرَّحْمَنُ ... خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾

۴- ﴿جَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ﴾



آلدراسات القرآنیه

به کلماتی که زیر آن ها خط کشیده شده است، نگاه کنید. با توجه به متن درس هم خانواده‌ی این کلمه‌ها را بیابید و داخل دایره بنویسید.

(یوسف / ۶۴)



۱ - ﴿فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا﴾

پس خدا بهترین نگاهبان و حافظ است.

(انبیاء / ۳۲)



﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا﴾

و آسمان را [به صورت] سقفی محفوظ قرار دادیم.

(فاطر / ۲۹)



۲ - ﴿وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً﴾

و از آن چه به آن‌ها روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق کردند.

(نحل / ۱۹)



﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ﴾

و خدا آن چه را پنهان می‌دارید و آن چه را آشکار می‌سازید، می‌داند.

(انبیاء / ۱)



۳ - ﴿اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ﴾

برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است.

(واقعة / ۱۰ و ۱۱)



﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾

و سبقت گیرندگان مقدم‌اند، آنان همان مقربانِ
[خدا]یند.

در آیات زیر «فاعل»، «مفعول» و «جار و مجرور» را مشخص کنید و
در جای تعیین شده بنویسید.

(عنکبوت / ۱۹)

﴿كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ﴾

خداوند چگونه خلقت را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند. فاعل مفعول

--	--

(طلاق / ۷)

﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾

فاعل مفعول

خداوند پس از سختی، آسانی را قرار خواهد داد.

--	--

(فلق / ۱)

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾

جار و مجرور

بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌ی صبح.

--	--

(قدر / ۱)

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾

جار و مجرور

ما آن را (قرآن را) در شب قدر نازل کردیم.

--	--

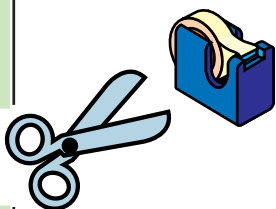
(مزمّل / ۲۰)

﴿فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾

جار و مجرور

هر مقدار از قرآن میسر شد، بخوانید.

--	--



اِصْنَعْ وَاعْمَلْ

جمله‌ساز رو میزی

- دو قطعه مقوا به شکل مربع تهیه کنید.
- از مرکز مقواهای مربع شکل، شکافی تا لبه‌ی یکی از اضلاع ایجاد کنید.
- هر دو طرف مقواها را با خط‌های موازی به شش قسمت مساوی تقسیم کنید.
- روی یک طرف از مقوای اوّل (مانند شکل) عنوان مربوط به آن را بنویسید.

شکاف

شکاف	جار و مجرور	فعل

مقوای اوّل

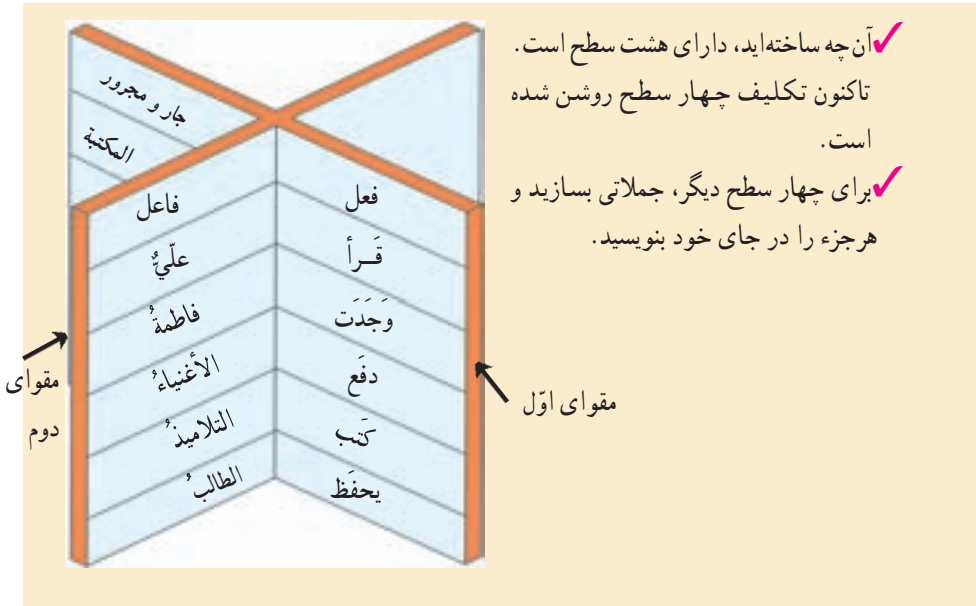
مفعول	فاعل

شکاف

مقوای دوم

پشت مقوای دوم

- در سمت چپ مقوای دوم، عنوان «فاعل» را بنویسید و پشت همان مقوا، در سمت راست، عنوان «مفعول» را بالای آن بنویسید.
- دو قطعه مقوا را طوری از محل شکاف‌ها به هم متصل کنید که وقتی آن را در مقابل هم نگه می‌دارید، عناوین فعل، فاعل، مفعول و جار و مجرور به ترتیب پشت سر هم باشند.



- هر یک از اجزاء این جملات را در ردیف اول تا پنجم، در جای خود بنویسید.

فعل	فاعل	مفعول	جار و مجرور
قَرَأَ	عَلِيٌّ	كِتَابًا	فِي الْمَكْتَبَةِ
وَجَدْتُ	فَاطِمَةَ	الْمَحْفَظَةَ	فِي الْبَيْتِ
دَفَعْتُ	الْأَغْنِيَاءَ	نُقُودًا	إِلَى الْفُقَرَاءِ
كَتَبْتُ	التَّلَامِيذَ	رِسَالَةً	بِالْقَلَمِ
يَحْفَظُ	الطَّالِبُ	سُورَةَ	مِنَ الْقُرْآنِ

- «جمله‌ساز رومیزی» را در مقابل خود نگهدارید. به هر یک از اجزاء جمله توجه کنید. جمله را برای دوست خود بخوانید تا او نقش هر کلمه را در جمله بگوید و اعراب فاعل، مفعول و مجرور را بیان کند. مراقب باشید که او اشتباه نکند!

ترجمه‌ی تصویری

تهیه‌ی یک دفتر حاوی مناسب‌ترین تصاویر برای جملات برگزیده، کار فردی شماسست و برگزاری نمایشگاه آثار برگزیده، مستلزم همکاری دسته جمعی دانش‌آموزان است.

□ آه...! ماذا البس؟!
□ يا إلهي...! نفوذ... نفوذ كثيرة...!!
□ فرح بشدة!

تصاویر ورزشی هم می‌توانند برای برخی جملات مناسب باشند.

أُنشُودُهُ

يا إلهي

يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ ^١	يا إلهي يا إلهي
و كثيرَ البَرَكَاتِ	إجعلَ اليَومَ سَعِيداً
و فَمِي بِالْبَسَمَاتِ ^٢	مَالئاً بِالْحُبِّ صَدْرِي
و أداءِ الواجِبَاتِ ^٣	و أَعِنِّي فِي دُرُوسِي
مِن شُرُورِ الحَادِثَاتِ ^٤	وَ احْمِنِي وَ احْمِ بِلَادِي
حافِلاً بِالتَّضَحِيَّاتِ ^٥	و لِيَكُنْ عُمْرِي طَرِيقاً

١- مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ : اجابت کننده ی دعاها

٢- مَالئاً... : [امروز] سینه ام را از عشق و محبت، و دهانم را از تبسم و شادی پُر کُن.

٣- أَعِنِّي : کمکم کن

٤- احْمِنِي : مرا حمایت کن ؛ الحَادِثَاتِ : سختی ها، مصیبت ها

٥- و لِيَكُنْ : و باید... باشد ؛ حافِل : پُر، سرشار ؛ التَّضَحِيَّاتِ : فداکاری ها

تَمَارِينُ عَامَّةٌ



التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

آیات زیر را بخوانید، کلماتی را که بر وزن «فَعیل»، «فَعول» و «فاعل» اند، پیدا کنید و هر یک را در جای خود بنویسید. سپس مقابل هر یک از آن‌ها:

— حروف اصلی آن کلمه را مشخص کنید.

— حروف زاید آن را بنویسید.

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا

وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

وَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ

إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

فَعِيل	اصلي	زاید	فَعول	اصلي	زاید	فاعل	اصلي	زاید

التَّمْرِينُ الثَّانِي



این پسر دنبال فعل‌هایی برای نهی و نفی می‌گردد. به او کمک کنید:

- فعل‌های امر را در سبد بیندازد.
- نهی‌های مذکر و مؤنث را در جای خود بنویسد.
- نفی‌های مفرد و جمع را در جای خود بنویسد.
- فعل‌هایی را که برای مذکر و مؤنث یکسان‌اند، در هر دو جا بنویسد.



فعل‌های امر

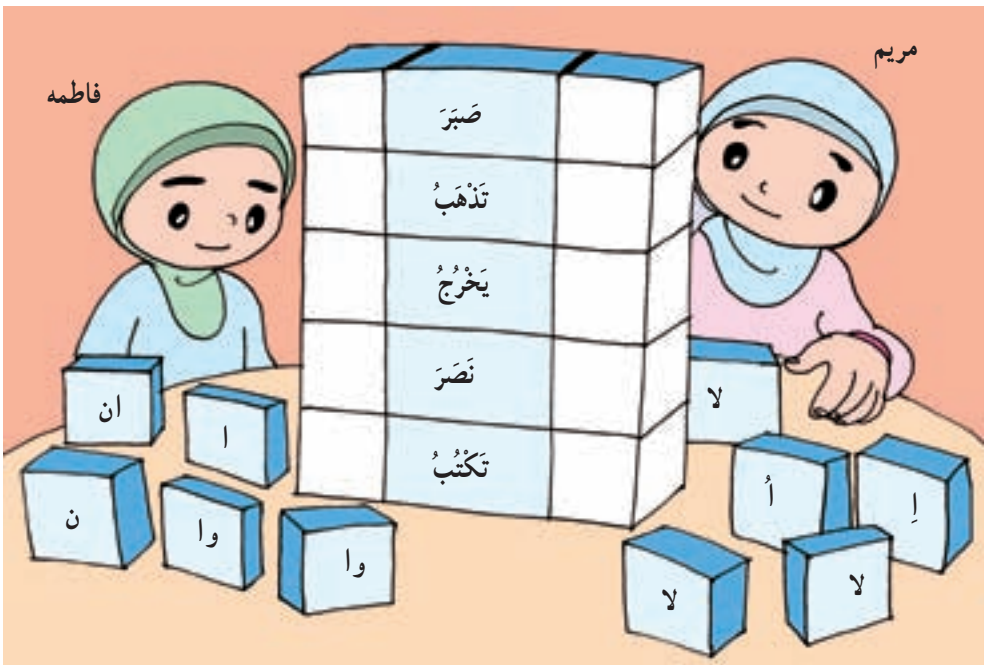
نفی	
مفرد	جمع

نهی	
مذکر مؤنث	

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ



مریم با مکعب‌هایی که در اختیار دارد، علامت‌های قبل از افعال را می‌گذارد و فاطمه با مکعب‌های خود، نشانه‌ی صیغه‌های افعال را مشخص می‌کند.



آنان برای ساختن این صیغه‌ها چه می‌کنند؟

- «امر برای مثنی» با «صَبَرَ» = :
- «نهی برای جمع مؤنث مخاطب» با «تَذَهَبُ» :
- نفی برای مذکر مثنای غایب با «يَخْرُجُ» :
- امر برای جمع مذکر مخاطب با «نَصَرَ» ُ :
- نهی برای جمع مذکر مخاطب با «تَكْتُبُ» :

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ



اجزاء جمله های فعلیه
را بنویسید.

اجزاء جمله های اسمیه
را بنویسید.

مفعول	فاعل	فعل	جمله های اسمیه و فعلیه	خبر	مبتدا
			اللَّهُ بَصِيرٌ.		
			جاء الحقُّ.		
			العلمُ نورٌ.		
			أمرَ اللهُ بالعدلِ.		
			محمدٌ رسولُ اللهِ.		
			اللهُ خلقَ الأرضَ.		
			يدخلُ المؤمنُ الجنةَ.		
			يذهبُ الشهداءُ إلى التورِ.		
			المؤمنُ يأمرُ بالمعروفِ.		
			يطلبُ المؤمنُ الهدايةَ من اللهِ.		

الْمُعْجَم

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

عرش، تختِ حکومت	عَرَش
عصبانی شد، خشمگین شد	عَضِبَ
غائب بودن، حاضر نبودن	غِیَاب
نوشته، نامه	کِتَاب
کشف کردم، بی بردم	کَشَفْتُ
بزرگان	مَلَأَ
جِ مَلِكٍ : پادشاه	مَلُوك
جِ مَاءٍ : آب	مِیَاه
رسیدن	وُصُول
پرستش می کنند	یَعْبُدُونَ

إذا
أَسْلَمْتُ
وَأَسْلَمْتُ مَع...
إِذَا
إِنَّ الْمُلُوكَ...
إِفْسَادًا

زمانی که، هنگامی که
تسلیم شدم
همراه سلیمان در برابر
خدا، پروردگار جهانیان،
تسلیم شدم.
فاسد کردند، فساد ایجاد
کردند
پادشاهان چون به شهری
درآیند در آنجا فساد
ایجاد می کنند...

الدَّرْسُ الثَّانِي

أَحَدٌ	أَحَدًا	أَحْسَنَ	إِسْتِرَاقٌ
یک	یکی از فرماندهان	آفرین	سرقت کردن
أَقْوِيَاءُ	تَحْكُمُ	تَفْقَهُ	زُجَاجٌ
ج قوی: نیرومند	حکومت می کند	پُرس و جو کردن، جويا شدن	شیشه

رزمندگان	مُقَاتِلِينَ	مخفیانه گوش دادن	استراق السَّمْعِ
ج معنویة : روحیه	معنویات	کسانی که	الَّذِينَ
مورد غضب واقع شده	مغضوب	کار	أُمْرًا
ج مَوْضِع : مکان	مَوَاضِع	ج امیر : فرمانده، رهبر	أُمْرَاءَ
روز	نَهَار	عقب نشینی	إِنْسِحَابَ
		نعمت دادی	أَنْعَمْتَ

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

ج أخ : برادر	إِخْوَان	حاجت، نیاز	حاجة
خانواده	أُسْرَةَ	ما نیازمندیم، نیاز داریم	نحن بحاجةٍ
ج عُشْب : گیاه، علف	أَعْشَاب	خوب، نیک	حَسَن
ج غَنَم : گوسفند	أَغْنَام	خوب است! بسیار خوب!	حَسَنٌ
ج مَثَل : مثال، نمونه	أَمْثَال	چادر	خيمة
ج وَلِيّ : دوست، دوست خدا	أَوْلِيَاءَ	برگردندگان، برگشت - کنندگان	راجعون
گریان	بَاكِيَةً	ج سَيِّد : آقا	سادة
زندگی می کند، ساکن است	تَسْكُنُ	شنوا	سَمِيع
می توانی	تَقْدِرُ	راه	صِرَاط
هل تقدرينَ على عملٍ		دانا، آگاه	علیم
کاری بکنی؟		برماست، برما لازم	عَلَيْنَا
آیا قادر به		است	غالب
انجام دادن کاری		چیره، مسلط	قادمون
هستی؟		آینده، در حال آمدن	قادمون
گرسنه	جَائِعَةً	در حال آمدن	قادمون
خجالت کشید، شرمگین شد	خَجِلَ -	نزدیک	قريب
ج خَادِم : خدمتکار	خَدَمَ	رهبری، فرماندهی	قيادة

رحم می کنی، ترحم می کنی	تَرْحَمُ	پرداخت	دَفَعَ -
جِ جَدَع : تنه، تنه‌ی درخت	جُدُوع	جِ دَمَع : اشک	دُمُوع
مجازات، پاداش	جَزَاء	چوپان	رَاعِيَة
جِ دَنْب : گناه	دُنُوب	چراندن	سَرَح
ترس، وحشت	رُعْب	گذشت، بخشایش	عَفُو
وفور نعمت و آسایش	رَعْد	بیخشید!	عَفْواً
پادشاه	سُلْطَان	غفلت کردم	غَفَلْتُ
نوشیدنی	شَرَاب	از دست داد، گم کرد	فَقَدَ -
سینه	صَدْر	تنبلی کردم، سستی کردم	كَسَلْتُ
به صلیب کشیدن، به	صَلْب	کُلبه، آلونک	كُوخ
دارآویختن		معین	مُحَدِّد
سرانجام، عاقبت	عَاقِبَة	خبر	نَبَأ
نزدیک به...، در شُرْفِ... فردا	عَلَى وَشَاكْ غَدَاً	میش	نَعَجَة
چیره، پیروز، قدرتمند	قَاهِر		
جِ قَلْب : دل، قلب	قَلُوب		
زبان	لِسَان	جست‌وجو کن، به دنبال... بِگَرْد	اِبْحَثْ عَن... اِبْنَة
توانا، پایمند	لَهْج	دختر	اُسْجُن
سرکشان، عصیانگران، شورشیان	مُتَمَرِّدِين	زندانی کن	اِشْرَحْ
جِ مِفْتَاح : کلید	مِفْتَاحِ، مِفْتَاح	بگشای، فراخ کن!	اُضْنَام
درخت خرما	نَخْل	جِ صَنَم : بُت	اَلَّذِي
جِ وَاشِي : سخن چین	وُشَاة	کسی که، که	اَمْر
← علی و شك	وَشَاكْ	دستور، فرمان	

اَلذَّرْسُ الرَّابِعُ

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

أَخْرَيْنَ	دیگران
أَعْزَاءَ	ج عزیز: عزیز و گرامی
أَعْنَابَ	ج عِنَب: انگور
أُمَامَةَ	مادرم!
بُسْتَانَ	باغ، بوستان
بُؤْسَاءَ	ج بَائِس: بی نوا، فقیر
تَالِي	بعد
تَبَرُّجٌ	خودآرایی، آرایش کردن، آشکار کردن زینت
تَبْرَجِ الْجَاهِلِيَّةِ	خودآرایی عهد جاهلیت
رَكِيبٌ -	سوار شد
سَائِلٌ	درخواست کننده، فقیر
سَوْءٌ	بدی
عِزَّةٌ	عِزَّت، سربلندی
عَزِيْزَاتٌ	ج عَزِيْزَة: عزیز و گرامی
مُثْمِرَةٌ	میوه دار
مَجْدٌ	بزرگی
مَحْرُوقٌ	سوخته، سوخته شده
مُنْدٌ	از
مِنْذُ مَدَّةٍ	مدتی است، از مدتی قبل
نَحْوَ	به سوی، به طرف
وَالِدٌ	پدر
يُمْكِنُ	ممکن است
يَمِينٌ	راست

الدَّرْسُ السَّادِسُ

أَسْمَاكَ	ج سَمَك، سَمَكَة: ماهی
أُمٌّ	یا
تِيَّاسٌ	ناامید می شوی
لَاتِيَّاسٌ	ناامید مشو
تَقْلَقٌ	نگران می شوی
لَاتَقْلَقُ	نگران مشو!
تَكْتُمُونَ	پنهان می کنید
تَقَلَّتْ	سنگین شد
حَبْلٌ	طناب، ریسمان
حَصَلَ - عَلَى ...	به دست آورد
حَوْتٌ	ماهی، ماهی بزرگ، نهنگ
خَطِرٌ	خطرناک
ذَهَابٌ	رفتن
رَجَاءٌ	لطفاً
رِحْلَةٌ	کوچ، سفر
رِيَّاحٌ	ج رِيح: باد
زَوْرَقٌ	قایق
سِحَابَةٌ	ابر، تکه ابر
سُمٌّ	سَم، زهر
سِوَاكَ	جز تو!
سَوْدَاءٌ	سیاه
شَبَكَةٌ	تور
عَزَمَ -	تصمیم گرفت
عَصَفَتْ	وزید

عصا، چوب دستی	عَصَا	نزدیک، در نزدیکی	قُرْبٌ
صبح گاه، طلوع صبح	فَجْرٌ	ناامید شد، مأیوس شد	فَقَطَ -
دقیق	لَطِيفٌ	نومید مشوید! مأیوس نشوید!	لَا تَقْنَطُوا
تسخیر شده ها، رام شده ها	مُسَخَّرَاتٌ	آمیخت، مخلوط کرد	لَبَسَ -
درمانده، مجبور	مُضْطَرٌّ	میامیزد	لَا تَلْبَسُوا
طلوع	مَطْلَعٌ	مواج، طوفانی	هَائِجٌ
چُرَت، خواب آلودگی	نُعَاسٌ	تنهایی	وَحْشَةٌ
آرامش	هُدُوءٌ	اوقات الوحشة اوقات تنهایی	أَوْقَاتُ الْوَحْشَةِ

الدَّرْسُ الثَّامِنُ

مهربان ترین، رحم کننده ترین	أَرْحَمُ
پناه می برم	أَعُوذُ
بسیار بازگردنده	أَوْابٌ
تباه شد، تلف شد	تَلَفَ
ستایش می کنید، مدح می کنید	تَمْدَحُونَ
دارو	دَوَاءٌ
طلایی، زرین	ذَهَبِيَّةٌ
رانده شده	رَجِيمٌ
آسایش، فراوانی نعمت	رَخَاءٌ
راضی شد	رَضِيَ -
از بین رفت، نابود شد	زَهَقَ -
سختی، تنگدستی	شِدَّةٌ
دشوار شد	صَعُبَ -
بیماری سخت شد	صَعِبَ مَرَضُهُ

سکونت می کند	يَسْكُنُ
نومید شد، مأیوس شد	يَيْسُ -

الدَّرْسُ السَّابِعُ

ج حِذَاءٌ : کفش	أَحْذِيَةٌ
زود	بَاكِرٌ
خسته، کوفته	تَعَبَةٌ
خوردن، تناول کردن	تَنَاوَلٌ
سخن، صحبت	حَدِيثٌ
کفّاش، کفش دوز	حَدَّاءٌ
ج شَهْرٌ : ماه	شَهْرٌ
گواه	شَهِيدٌ
راست گویی، درستی	صِدْقٌ
ساخت، درست کرد	صَنَعَ -
نور، روشنایی	ضَوْءٌ
شام	عَشَاءٌ

می دانم	أَعْلَمُ	ضرر، سختی	الضَّرُّ
جِ مَثَلٌ : مثال، نمونه	أَمْثَالٌ	سختی، تنگدستی	عُسْرٌ
درست کار، امانت دار	أَمِينٌ	بزرگ شد	عَظُمَ —
جَلَبٌ می کند، جذب می کند	تَجَلَّبُ	بلا و سختی شدت گرفت	عَظُمَ الْبَلَاءُ
شاگرد، محصل	تَلْمِيزٌ	از دست دادن	فَقْدَانٌ
بافندگی، بافتن	حِيَاكَةٌ	از دست دادی	فَقَدْتَ
رونده، در حال رفتن	ذَاهِبٌ	جِ لِصٌّ : دزد، سارق	لُصُوصٌ
کوچه	زُرْقَاقٌ	بیماری	مَرَضٌ
مهیار، افسار، عنان	زِمَامٌ	لمس کرد، برخورد کرد	مَسَّ
بازار	سُوقٌ	به من آسیب رسیده است	مَسَّنِيَ الضَّرُّ
خریدن، خریداری	شِرَاءٌ	جِ مَصِيبَةٌ : مصیبت،	مصائب
شرح داد، روشن کرد	شَرَحَ —	حادثه‌ی ناگوار	
ماه	شَهْرٌ	با، همراه	مَعَ
حقوق یک ماه	أَجْرَةُ شَهْرٍ	با این وجود، با وجود این	مَعَ هَذَا
صبح	صَبَاحٌ	جِ نِعْمَةٌ : نعمت	نِعَمٌ
خانواده	عَائِلَةٌ	خوب است!	نِعَمٌ
احسان، نیکی	فَضْلٌ	خوب بنده‌ای است!	نِعْمَ الْعَبْدُ
توانا	قَدِيرٌ	وعده داد، قول داد	وَعَدَ
شلوغ، پرازدحام	مُزْدَحَمٌ	آسانی، فراخی	يُسْرٌ
اصلاحگر، اصلاح کننده	مُصْلِحٌ		
معاش، وسایل زندگی	مَعَاشٌ		
ایجادکننده‌ی فساد	مُفْسِدٌ		
گم شده، مفقود شده	مَفْقُودَةٌ		

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

أُخْضِرُ
إِعْلَانٌ

حاضر شو، بیا
اطلاعیه، اعلامیه

نقود

ج نَقْد : پول، پول‌ها

رحیم

مهربان

زَهْوَق

از بین رفته

عَفْوَر

آمرزنده

كَفْوَر

ناسپاس

وَاسِع

در برگیرنده

فرستاد

بَعَثَ

الدَّرْسُ العَاشِرُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره ی مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه دینی مراه و پیام نگار (Email:

talif@talif.sch.ir) ارسال نمایند.

دفتر نامه ریزی و آنتیت کتاب پاریسی

وَهَذَا السَّانُ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ (محل ۱۰۳)

این (زبان قرآن) زبان عربی گویا و روشنی است.

زبان عربی را می آموزیم؛ زیرا:

- کلید فهم قرآن و متون اسلامی است.
- امامان و بزرگان دین بارز باید آدگیری این زبان توصیه کرده اند.
- میراث عظیم علمی و فرهنگی مسلمانان به این زبان به دست ما رسیده است.
- بدون یادگیری این زبان، فهم زبان فارسی و درک شیرینی آن امکان ندارد.
- زبان زنده و بین المللی اسلامی است.